تحلیل رفاهی سیاست‌های یارانه‌ها در اقتصاد ایران

یدالله دادگر*، روح‌الله نظری**

مقدمه: *یکی از جنجال‌برانگیزترین سیاست‌های اقتصادی در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی و به‌ویژه از دههٔ ۱۹۷۰ میلادی به بعد پرداخت یارانه و تبعات آن بوده است. شعار حذف یا به اصطلاح هدفمندسازی یارانه‌ها که در دولت نهم مطرح شد، پس از یک وقفهٔ نسبتاً طولانی در دولت دهم مجدداً مطرح شد و پس از تصویب در مجلس هشتم هم‌اکنون در حال اجراست. این مقاله با توجه به اهمیت موضوع به بررسی هدفمندی یارانه‌ها و آثار و تبعات اقتصادی و اجتماعی آن پرداخته است. اصلاح یارانه‌ها، در بلندمدت و با فرض آماده بودن زیرساخت‌های لازم، حذف یارانه‌ها ضروری است، اما با توجه به مدیریت اقتصادی فعلی اعمال سیاست مربوطه با دشوارهایی همراه بوده است. دولت اخیر (۱۳۹۰-۱۳۸۴)، ادعا می‌کند که از اواخر آذر(اوایل دی‌ماه) ۱۳۸۹، سیاست مربوطه را به اجرا گذاشته و ادامه می‌دهد و بحث از موفقیت سیاست مربوطه می‌کند. این پژوهش ضمن دفاع از سیاست عمومی اصلاح یارانه، با توجه به ضعف‌های اصل برنامه، فقدان زیرساخت‌ها و ابزارهای اطلاع‌رسانی اجرای برنامه را موفقیت‌آمیز نمی‌داند.*

روش: *در این تحقیق ضمن به کارگیری مطالعات کتابخانه‌ای، از روش اقتصادسنجی و الگوی خود رگرسیون برداری بر اساس داده‌های سری زمانی ۱۳۹۱-۱۳۵۳ استفاده می‌شود.*

یافته‌ها: *۱- ضریب جینی در ایران در دورهٔ مورد مطالعه حول ۰/۵۵ - ۰/۳۵ بوده که نشان می‌دهد توزیع درآمد در ایران ناعادلانه است. ۲- در شرایط تورم رکودی، تداوم بحران اقتصادی، نبود زیرساخت‌های لازم، نداشتن مدل اقتصادی و موارد مشابه، هدفمندی یارانه‌ها وضعیت توزیع درآمد را نه تنها بهبود نخواهد داد بلکه حتی باعث می‌شود که طبقات محروم جامعه را تحت فشار قرار دهد و منجر به بدتر شدن وضعیت رفاهی آن‌ها شود.*

بحث: *با فرض عدم آمادگی زیرساخت‌ها، سیاست هدفمندی یارانه‌ها در بلندمدت باعث کاهش نابرابری می‌شود، اما این برنامه باوجود مدیریت اقتصادی دورهٔ اخیر (۱۳۹۱-۱۳۸۴) باعث افزایش نابرابری می‌شود.*

کلید واژه‌ها: آثار اجتماعی-اقتصادی، ایران، توزیع درآمد، سیاست تغییر یارانه‌ها، هدفمندی یارانه،

تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۱۱ ***تاریخ پذیرش:*** ۹۰/۵/۹

* دکترای اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی <yy.dadgar@gmail.com>

** کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه مفید

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

مقدمه

در دههٔ ۱۹۵۰ با مطرح شدن تفکر توسعه و ضرورت توجه به شاخص‌های رفاه اجتماعی و کاهش فقر دخالت دولت‌ها در فعالیت‌های اقتصادی پررنگ‌تر شد. از آن جا که رویکرد حاکم در آن زمان توسعهٔ اقتصادی را صرفاً در سرمایه‌گذاری‌های کلان فیزیکی و زیرساخت‌های اقتصادی مربوطه می‌دیدند، دولت‌ها را به دخالت در این زمینه‌ها توصیه می‌کردند. ولی از دههٔ ۱۹۷۰ با شکل‌گیری تفکر محوریت انسان در توسعه، این آگاهی ایجاد شد که برای حل توسعه نیافتگی سرمایهٔ فیزیکی کافی نیست و حداقل به اندازهٔ سرمایهٔ فیزیکی، مسائل و سیاست‌های اجتماعی و شکل‌گیری سرمایهٔ انسانی هم ضرورت دارند. بنابراین در این دوره سیاست‌های حمایتی در قالب دولت‌های رفاه، سیاست‌های یارانه‌ای وموارد مشابه سرلوحهٔ برنامه‌های توسعه قرار گرفت. آن چه در زمینهٔ پرداخت یارانه‌ها مورد غفلت قرار گرفت هدف‌گیری صحیح این سیاست‌ها بود؛ به نحوی‌که بیش‌تر کشورها یارانه‌ها را به صورت همگانی و عمومی پرداخت می‌کردند. اما در دههٔ ۱۹۸۰ به دنبال بحران بدهی‌ها و رکود جهانی و تقابل تجربهٔ کشورهای شرق آسیا، امریکای لاتین، جنوب آسیا و صحرای آفریقا، تأکید راهبردهای توسعه به سمت بهبود مدیریت اقتصاد و پذیرفتن نقش بیش‌تر نیروهای بازار تغییر کرد که در چارچوب این رویکرد جدید اکثر کشورها نسبت به اصلاحات در برنامه یارانه‌ها اقدام کردند. دلیل عمدهٔ این کشورها، پرهزینه بودن یارانه بود. علاوه بر این ناکارآیی نظام توزیع دولتی و اثرات منفی کنترل قیمت محصولات بر تولیدکنندگان از دلایل دیگر انجام اصلاحات فوق بوده است. بحث حذف یا اصلاح یارانه‌ها در دههٔ ۱۹۹۰ تاکنون (دههٔ دوم قرن ۲۱) کماکان مطرح می‌باشد. بررسی‌های انجام شده در کشورهای منتخب نشان می‌دهد که هر یک از این کشورها در ارتباط با اصلاح یارانه‌ها، متناسب با شرایط ویژهٔ خود از شیوه‌های مختلف بهره جسته‌اند. غالب کشورها انتخاب خانوارهای فقیر را هدف قرار داده‌اند. در این رابطه از جمله می‌توان از آمریکا، هندوستان، برزیل و اردن نام برد. همچنین بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

که دولت‌ها عموماً برنامه یارانه‌های قیمتی را بر پرداخت نقدی ترجیح داده‌اند. ایران تحت مدیریت ۱۳۹۱-۱۳۸۴، به صورت خاصی ادعای اصلاح یارانه‌ها را دارد. لذا این مقاله به بررسی آثار رفاهی سیاست‌های مربوطه می‌پردازد.

۱) چارچوب نظری

یارانه به‌طور کلی نوعی کمک مالی یا نوعی انتقال منابع اقتصادی دولت به خریداران و فروشندگان کالا و خدمات می‌باشد. پرداخت یارانه از جمله شناخته‌شده‌ترین راه‌های انتقال درآمد به گروه‌های کم‌درآمد جامعه است که دارای سابقهٔ طولانی است. به طور کلی ابعاد یارانه‌ها را می‌توان چنین دسته‌بندی نمود: اهداف دولت، مراحل کالا، طبقه‌بندی خود یارانه و انعکاس هزینه‌های آن (Clements et al, 1995). الف). اهداف دولت: بر این اساس پنج نوع یارانه از هم تفکیک می‌شود. ۱- یارانهٔ اقتصادی؛ ۲- یارانهٔ توسعه‌ای؛ ۳- یارانهٔ اجتماعی؛ ۴- یارانهٔ سیاسی؛ ۵- یارانهٔ فرهنگی. ب). مراحل کالا: بر اساس این که در چه مرحله‌ای برای کالا یا خدمات، یارانه پرداخت گردد، می‌توان انواع یارانه را این‌گونه تفکیک کرد: ۱- یارانهٔ مصرفی؛ ۲- یارانهٔ تولیدی؛ ۳- یارانهٔ توزیعی؛ ۴- یارانهٔ خدماتی؛ ۵- یارانهٔ صادراتی، ۶- یارانهٔ کاهش واردات و صرفه‌جویی ارزی. ج). نحوهٔ طبقه‌بندی خود یارانه: بر این اساس دو نوع یارانه از هم تفکیک می‌شود: ۱- یارانهٔ مستقیم؛ ۲- یارانهٔ غیرمستقیم. د). طبقه‌بندی یارانه بر اساس انعکاس هزینه‌های آن: بر این اساس دو نوع یارانهٔ پنهان و آشکار از هم تفکیک می‌شود. در مورد هر کالایی که دولت با پرداخت مبلغی از بودجهٔ خود باعث شود که قیمت آن کالا کم‌تر از قیمت تمام شدهٔ خود در بازار عرضه گردد، یارانهٔ آشکار پرداخت گردیده است. در حالی که یارانهٔ پنهان به نوعی از یارانه اطلاق می‌گردد که به نحوی از انحاء موجب ایجاد هزینه یا محرومیت از کسب درآمد برای دولت می‌باشد و در بودجهٔ دولت و حساب‌های ملی کشور ثبت نمی‌شود، مانند یارانهٔ تخصیصی به برخی از کالاها و خدمات اساسی که عرضهٔ آن‌ها زیر قیمت تمام شده توسط بنگاه‌های دولتی صورت می‌گیرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

شیوه‌های اعمال یارانه

روش‌های پرداخت یارانه در بخش مصرف عمدتاً شامل «شیوهٔ نقدی»[1]، «شیوهٔ کالایی»[2]، «شیوهٔ همگانی قیمتی»[3] و «شیوهٔ کالابرگی»[4] است. تحت شیوهٔ نقدی، یارانه به دو صورت مستقیم و مشروط پرداخت می‌شود. یارانهٔ نقدی مستقیم در قالب «پول نقد» به فقرا و کم‌درآمدها داده می‌شود. می‌توان از مزایای یارانه نقدی مستقیم به اختلال کم‌تر آن در سازوکار قیمت‌ها و همچنین افزایش دامنهٔ انتخاب یارانه‌بگیر اشاره کرد. یارانهٔ نقدی مشروط به صورت مشروط در اختیار افراد قرار می‌گیرد. مثلاً دریافت‌کنندهٔ این نوع یارانه‌ها موظفند مبلغ مذکور را صرف نوعی سرمایه‌گذاری نظیر حضور فرزندان در مدارس و یا استفاده از خدمات بهداشتی پیش‌گیرنده (سرمایهٔ انسانی) کنند. اغلب کشورهای در حال توسعه، هدف اصلی خود را از اعطای این نوع یارانه انباشت سرمایهٔ انسانی عنوان نموده‌اند. معایب شیوهٔ نقدی یارانه‌ها را می‌توان چنین برشمرد: ۱- منجر به بالا رفتن توقع در جامعه شده واصلاح آیندهٔ یارانه را با مقاومت مواجه می‌سازد؛ ۲- موجب افزایش نقدینگی و بالا رفتن قیمت کالاهای یارانه‌ای شده که این اثرات توزیع درآمد را به ضرر طبقه‌های آسیب‌پذیر (گروه‌های هدف) تغییر می‌دهد؛۳- این سیستم نیازمند اطلاعات وسیع و جامعی است که دسترسی به آن ساده نیست. هدف شیوهٔ کالایی اطمینان از دسترسی خانوارها به حداقل نیاز مصرفی است. طرفداران این شیوه معتقدند از آن جایی‌که میل نهایی به مصرف این نوع یارانه بیش از یارانه‌های نقدی است، دارای اثرات مثبت بیش‌تری بوده و احتمال اصابت آن به هدف (مثل رفع کمبود یک مادهٔ غذایی خاص) بیش‌تر است. از مزایای نظام کالایی به قابلیت مدیریت و کنترل افراد واجد شرایط و همچنین بی‌نیازی از روش‌های پیچیده شناسایی آنان می‌توان اشاره نمود. برخی معایب نظام کالایی عبارتند از: ۱- بالا بودن هزینه‌های اجرایی (هزینهٔ حمل و نقل و ذخیره‌سازی موادغذایی). ۲- تأخیر و اتلاف

1- cash system
2- subsidized commodity distribution system
3- general price system
4- stamp system

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

مواد غذایی تا هنگام تحویل. در شیوهٔ قیمتی، بخش عمدهٔ یارانه به کالاهایی تخصیص می‌یابد که سهم بیش‌تری در سبد مصرفی خانوارهای نیازمند دارند. نحوهٔ اجرای این روش گوناگون است. از جمله: ۱- در صورت عدم تولید کالاهای یارانه‌ای در داخل کشور، دولت از طریق واردات، اقلام مدنظر را به قیمت معین خریداری نموده و با قیمت کم‌تر در اختیار مصرف‌کنندگان کم‌درآمد قرار می‌دهد. ۲- در صورت تولید کالا در داخل، دولت به وسیلهٔ قیمت‌گذاری محصولات داخلی، بخشی از هزینه‌های تولید کالاهای داخلی را به عنوان مالیات بر تولیدکننده تحمیل می‌نماید. ۳- در منطقهٔ جغرافیایی خاص می‌تواند محصولات داخلی را به قیمت تضمینی خریداری نموده و به قیمت کمتر در اختیار مصرف‌کننده قرار دهد. در این شیوه بسته به نوع کالای یارانه‌ای، منافع طبقات مختلف بسیار متفاوت می‌باشد. این روش به دلیل ایجاد اختلال در نظام بازار اغلب مورد انتقاد واقع می‌شود. زمانی که این نوع یارانه از طریق پایین نگاه‌داشتن قیمت تولیدکننده پرداخت شود، بر درآمد و تولید تأثیر منفی خواهد داشت. قیمت پایین موادغذایی موجب افزایش تقاضای آن شده و در صورتی‌که تولیدکنندهٔ داخلی قادر به تأمین آن نباشد، مازاد تقاضا باید از خارج و با استفاده از منابع کمیاب ارزی تأمین شود. یک نکتهٔ مهم این است اگر چه حجم یا میزان «مطلق» یارانه‌ای که از طریق قیمت پایین به افراد ثروتمند اختصاص می‌یابد بیش از قشر فقیراست، اما به طور «نسبی» این افراد فقیر هستند که از این یارانه‌ها منفعت بیش‌تری می‌برند. در این شیوه در بیش‌تر موارد کالابرگ‌ها مورد استفادهٔ سیاست‌گذاری یارانه‌ای قرار می‌گیرد. امکان‌پذیری اجرایی یارانه‌های کالابرگی به سه عامل«نحوهٔ انتخاب» افراد واجد شرایط، «نحوهٔ توزیع» کالابرگ‌ها و «نحوهٔ استرداد» آن‌ها بستگی دارد. انتخاب افراد ممکن است از طریق بررسی دارایی‌های خانوار صورت گیرد. «نحوهٔ توزیع» کالابرگ‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. نظام کالابرگی همچنین نیازمند فرآیند استرداد است. به این بدان معنا که باید فروشگاه‌های دریافت‌کنندهٔ کالابرگ، قادر به تبدیل آن به پول نقد باشند. یک مزیت شیوهٔ کالابرگی آن است که به لحاظ اجرایی دولت نیازی به حمل و ذخیرهٔ کالاهای یارانه‌ای

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

نداشته و کاهش هزینه‌ها و پیشگیری از اتلاف آن، قابل توجه می‌باشد. در پایان این قسمت بر چند مطلب تأکید می‌کنیم:

۱- یارانه مالیات منفی نامیده می‌شود، اما به دلیل این که هزینه محسوب می‌شوند حساسیت بیش‌تری نسبت به مالیات دارد چرا که افزایش یارانه‌ها در حال حاضر به معنای فشار مالیاتی بر شهروندان در آینده خواهد بود، زیرا در شرایط متعارف تأمین مالی یارانه از طریق مالیات صورت می‌پذیرد (دادگر، ۱۳۸۶).

۲- پرداخت یارانه صرفاً یک سیاست اقتصادی نیست، زیرا تبعات اجتماعی و سیاسی نیز به دنبال دارد.

۳- سیاست پایین نگه‌داشتن قیمت کالاهای اساسی در مواردی منجر به کاهش رشد و وابسته‌تر شدن اقتصاد به واردات می‌گردد.

۴- از دهۀ ۱۹۸۰ به بعد اکثر کشورها نسبت به اصلاحات در برنامۀ یارانه‌ها اقدام کردند. اصولاً هرگاه هماهنگ با افزایش رشد اقتصادی در جامعه، سطح درآمدها به شکل متناسب افزوده شود، نرخ بیکاری پایین باشد و دولت وظایف اصلیش را خوب انجام بدهد، پرداخت یارانه به مصرف‌کننده متداول نیست. پرداخت یارانه در شرایط عادی علاوه بر بارمالی برای دولت، موجب افزایش غیربهینۀ مصرف، کاهش رقابت، کارآیی و بهره‌وری می‌شود. نتیجۀ نهایی می‌تواند کاهش تولید و در مواردی افزایش واردات گردد. اما حذف یا هدفمند کردن یارانه‌ها نیز نیازمند تحقق شرایط لازم است. وجود قوانین شفاف و کافی به همراه روحیۀ قانون‌پذیری در کارگزاران دولتی وخصوصی، نظام تعرفۀ کارآمد و فراهم بودن زیرساخت‌های حمل و نقل و غیره از نمونۀ این شرایط هستند.

تجربیات هدفمندسازی یارانه در کشورهای مختلف

هدفمند کردن یارانه در واقع عبارتست از تعریف و انتخاب خانوارها یا افراد هدف، و توزیع منافع به خصوصی بین آن‌ها از طریق مکانیزم خودهدفمندی، هدفمندسازی اداره

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

شده و مشابه آن(Hoffman et al, 1994). منتقدین هدفمند کردن، اصولاً بر هزینه‌بر بودن شناسایی خانوارهای فقیر و اثرات آن تأکید دارند. در این قسمت به تجربهٔ کشورهای بلوک شرق پرداخته شده که از نظر ساختار اقتصادی شباهت نزدیکی با ایران دارند. ابتدا به تجربهٔ چند کشور در خصوص هدفمندی یارانهٔ انرژی می‌پردازیم. هدفمندسازی یارانهٔ انرژی در لهستان بخشی از برنامهٔ اصلاحات اقتصادی پس از فروپاشی نظام سوسیالیستی را تشکیل می‌داد که موفق‌ترین برنامه در گروه کشورهای بلوک شرق بود. بر اساس بستهٔ مذکور، پرداخت یارانهٔ صنایع به روش شوک درمانی قطع شد. انضباط مالی دولت تحت کنترل شدید قرار گرفت، رشد تورمی دستمزدها متوقف و نرخ بهره افزایش یافت. با حمایت صندوق بین‌المللی پول، پول ملی تضعیف شد و برنامهٔ خصوصی‌سازی به همراه آزادسازی قیمت‌ها اجرا شد. همچنین قوانین تجارت خارجی به منظور تسهیل صادرات و جذب سرمایه‌گذاری خارجی اصلاح شد. با ایجاد فرصت‌های شغلی این بخش در سال ۱۹۹۲ نرخ بیکاری کشور کاهش یافت. کشور بلغارستان قبل از ایجاد اصلاحات اقتصادی برای حمایت از خانوارهای کم‌درآمد و تولیدکنندگان از بخش انرژی حمایت می‌کرد. دولت فرآیند اصلاح را با دو مکانیسم همراه نموده: اول، افزایش یارانهٔ انرژی در زمستان و دوم، ایجاد سیستم دوگانهٔ قیمت‌گذاری که به موجب آن تعرفهٔ یارانه‌ای برای یک سطح معینی از مصرف ادامه یابد و تعرفهٔ بیش‌تر برای سطوح بالاتر مصرف به‌کار رود. دولت اندونزی از اختصاص یارانهٔ مستقیم به فرآورده‌های نفتی برای حمایت از اقشار کم‌درآمد و خانوارهای فقیر استفاده کرده اما این سبب زیان‌های اقتصادی و زیست‌محیطی شده است. بازنگری دولت در پرداخت یارانه به فرآورده‌های نفتی باعث افزایش درآمدهای ارزی و کاهش آسیب‌های زیست محیطی می‌شود. دولت این کشور تصمیم بر حذف بخشی از یارانه‌ها گرفت. پس از حذف بخشی از یارانه‌ها شورش‌هایی بروز کرد که به دنبال آن دولتمردان به فکر برقراری مجدد آن افتادند. (استیگلیتز، ۱۳۸۲)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

ترکیه در سال ۲۰۰۱ در یک بستهٔ سیاستی کلان شامل معرفی نظام نرخ ارز شناور، کاهش کسری بودجهٔ دولت و استقلال بانک مرکزی برنامهٔ اصلاح بازارهای مالی، مخابرات و انرژی را با پشتیبانی همه‌جانبهٔ صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی اعلام کرد. در این رابطه قانون بازار برق به تصویب مجلس رسید و بر اساس آن نهاد تهیهٔ مقررات مربوط به بازار انرژی تأسیس شد. و چهار مرحلهٔ برنامهٔ رقابتی کردن بازار برق اعلام شد که عبارتند از: ۱- اعطای مجوز تأسیس شرکت برق و گاز طبیعی به بخش خصوصی؛ ۲- اعطای حق انتخاب شرکت تولید برق به مصرف‌کنندگان عمده؛ ۳- راه‌اندازی مرکز توافقات مالی برای تسویه و تراز مبادلات. در ضمن برنامه خصوصی‌سازی شرکت‌های پالایش نفت از ۲۰۰۵ آغاز و تاکنون در جریان است. برای مثال ۳۱/۵ درصد از شرکت پالایش نفت ترکیه که ۸۰ درصد نفت این کشور درآن پالایش می‌شود در سال ۲۰۰۷ به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی فروخته شد. ملاحظه می‌شود که برنامه‌های اصلاح یارانه‌ها در کشورهای مورد مطالعه در درجهٔ اول تدریجی است و با کمک بخش خصوصی رو به پیش است، در درجهٔ دوم در مواردی تحت مطالعه است.

با عنایت به نقش مهم مواد غذایی در زندگی روزمرهٔ مردم، تجربهٔ هدفمندی کشورهای منتخب در این زمینه نیز بررسی می‌شود. تا سال ۱۹۹۶ یارانه‌های مصرفی عمومی مواد غذایی به عنوان یکی از محورهای اصلی سیستم حمایت اجتماعی الجزایر به شمار می‌آمد. غلات، شیر و شکر عمده‌ترین کالاهای یارانه‌ای بودند که به ترتیب ۳۵٪، ۳۸٪ و ۱۸٪ منابع یارانه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. برنامهٔ یارانهٔ مواد غذایی مصر از زمان جنگ جهانی دوم شروع شد. این برنامه در ابتدا بر سهمیه‌بندی سخت‌گیرانهٔ کالاها با تضمین قابلیت دسترسی به آن‌ها در سطح قیمت‌های پایین‌تر برای تمامی مصرف‌کنندگان تأکید داشت. با اوج‌گیری هزینه‌های مالی یارانه‌ها، ایجاد عدم تعادل‌های کلان اقتصادی و تشدید بدهی‌های خارجی در سال ۱۹۷۷ کشور مصر با حمایت صندوق بین‌المللی پول به اصلاح نظام یارانه‌ها اقدام کرد. این اقدام با افزایش یکبارهٔ قیمت کالاهای یارانه‌ای شروع شد. ولی با وجود تدابیر اندیشیده شده به علت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

تبعات اجتماعی، این برنامه متوقف شد. لذا این کشور به ناچار به اصلاح تدریجی نظام یارانه در طول دهۀ ۱۹۸۰ به شرح زیر روی آورد: ۱- تعداد کارت‌های سهمیه‌ای کاهش یافت و این کارت‌ها تنها به برخی خانوارهای کاملاً مستحق اختصاص یافتند. ۲- تعداد کالاهای یارانه‌ای از ۱۸ قلم به ۴ قلم کاهش یافت. ۳- از میزان کالاهای در دسترس کاسته شد. ۴- قیمت کالاهای یارانه‌ای افزایش یافت. سهم جمعیت تحت پوشش به ۸۶٪ کاهش یافت(احمدی، ۱۳۸۸). دولت تونس در سال ۱۹۷۰ پرداخت یارانۀ مواد غذایی را برای حمایت از مصرف‌کنندگان کم‌درآمد کالاها شروع کرد. این کالاها شامل غلات، روغن آشپزی، شکر و شیر بودند که به طور نامحدود برای تمام مصرف‌کنندگان و زیر قیمت‌های بازار ارائه می‌شدند. پرداخت یارانه بار مالی سنگینی بر دوش دولت تونس گذاشته بود به طوری‌که در سال ۱۹۸۹ حدود ۷۲٪ از کل بودجۀ دولت و ۳٪ از GDP به یارانه‌های پرداختی اختصاص یافته بود. در سال ۱۹۹۰ اولین تلاش‌های اصلاحی از طریق افزایش تدریجی قیمت‌ها صورت پذیرفت که منجر به نارضایتی‌هایی گردید(نجفی، ۱۳۸۷). برنامۀ یارانۀ مواد غذایی در یمن شامل یارانۀ گندم و آرد گندم بوده که در ابتدا از طریق واردات کنترل شدۀ دولتی و شبکه‌های خرده‌فروشی و توزیع به مرحلۀ اجرا درآمده است. اختلاف گستردۀ قیمت گندم در کشورهای مجاور انگیزه برای قاچاق را فراهم نموده بود؛ علاوه بر این فرآیند چندمرحله‌ای و پیچیدۀ توزیع تابع مقررات قیمتی بوده و فرصت‌های چندگانه‌ای برای واسطه‌ها ایجاد می‌کرد. جهت رفع نارسایی موجود در نظام یارانه‌ها دولت‌های یمن اقدامات متعددی را انجام داده‌اند. اولین اقدام در اواسط سال ۱۹۹۶ صورت گرفت که طی آن نرخ ارز ترجیحی جایگزین یارانه‌های ارزی کشور جهت واردات شد. همچنین قرار شد کل یارانه‌ها به صورت تدریجی حذف گردد. یعنی جهت اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها یک دورۀ زمانی ۵ ساله در نظر گرفته شد. در مکزیک برای هدفمندی دو برنامه یارانۀ نان ذرت مکزیکی و شیر، از آزمون ساده استفاده کرده‌اند. در برنامۀ نان ذرت، خانوارهای استفاده‌کننده از این برنامه هر روز یک کیلو نان ذرت به طور رایگان از مغازه‌های فروش آن دریافت می‌کنند. برنامۀ شیر نیز این امکان را برای

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

خانواده‌های ذی‌نفع فراهم می‌کنند که شیر را از مغازه‌های خاص به قیمت یک‌چهارم شیر آزاد خریداری کنند. برنامهٔ زمانی مشخص دسترسی به شیر عاملی است که تنها افراد بسیار نیازمند برای دریافت آن مراجعه می‌کنند. در برنامهٔ نان ذرت و شیر در مکزیک، علاوه بر هدفمندی بر اساس آزمون میانگین ساده، از هدفمندی در سطح محله نیز استفاده شده است. در این روش، مغازه‌های فروش شیر و نان ذرت در مناطق فقیر قرار گرفته و از این طریق، به افراد فقیر در یافتن برنامهٔ مناسب کمک می‌کند. برنامهٔ هدفمندی در سطح محله زمانی به بهترین سطح اجرا می‌شود که زیر ساخت‌های لازم این کار فراهم شود. هدفمندی یارانهٔ شیر در پرو در برگیرندهٔ سه نوع روش هدفمندی جغرافیایی، هدفمندی بر اساس گروه و خودهدفمندی است. ترکیب هدفمندسازی بر اساس محله و خودهدفمندی موجب شده است که میزان تراوش برنامه بسیار کم باشد و ۸۱ درصد منافع آن به افراد زیر خط فقر برسد. ۷۲ درصد از افرادی که از منافع برنامه برخوردار شده‌اند در ۴۰ درصد پایین درآمدی قرار دارند. به علاوه هزینه‌های اجرایی برنامه بسیار پایین است (Valdivia, 2004). برزیل از جمله کشورهایی است که برای مبازه با فقر، برنامه‌های مختلفی را در حمایت از خانوارهای مواجه با سوءتغذیه به اجرا می‌گذارد. این برنامه‌ها در سه گروه قرار می‌گیرند: الف- برنامه‌های که مربوط به شرایط زندگی هستند نظیر امنیت اجتماعی و پانسیون‌ها؛ ب- برنامه‌هایی که مربوط به درآمد موقت و زودگذر هستند نظیر بیمهٔ بیکاری؛ پ- برنامه‌هایی که شامل حمایت اجتماعی و کمک در جهت بهبود رفاه گروه‌های آسیب‌پذیر هستند. این برنامه در دو سطح صورت گرفت. سطح اول مربوط به خانوارهایی است که درآمد آن‌ها کم‌تر از دو برابر حداقل دستمزد است و سطح دوم مربوط به کودکانی است که توسط مراکز بهداشتی شناسایی می‌شوند (پرمه، ۱۳۸۴). تجارب فوق، نشان می‌دهد که توجه به شرایط مختلف و پیامدهای اجتماعی اصلاح یارانه، عنایت به یافته‌های کارشناسی و موارد مشابه مورد نظر سیاست‌گذاران بوده وهر نوع شتاب زدگی و بی‌توجهی احتمالی مسئله‌آفرین بوده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

پیش‌شرط‌های اصلاح قیمتی: بررسی‌های انجام شده دربارهٔ تجربهٔ کشورهای مختلف نشان می‌دهد که کارآیی اصلاحات قیمتی تحت تأثیر عوامل زیر است. ۱- ظرفیت نظام اداری و در دسترس بودن ابزارهای حمایت اجتماعی: مانند مصر، اندونزی، اردن و اوکراین. ۲- همراهی آثار سیاسی: در بسیاری از موارد حذف یارانه‌ها حتی در کشورهای دارای ظرفیت نهادی و اجرایی کافی برای اعمال اصلاحات با آثار سیاسی همراه بوده است. برای مثال. در اردن، تلاش برای افزایش قیمت‌های سوخت به ناآرامی‌ها اجتماعی و شورش منجر شد. در زیمباوه، بر اثر کاهش ارزش پول و افت قدرت خرید واقعی فقرا به شورش برخاستند. در زامبیا، دولت با شورش مردم به هنگام افزایش قیمت ذرت مواجه شد. در اندونزی، اصلاح قیمت انرژی با مخالفت عمومی مواجه شد. وقتی دولت اکوادور، قیمت گاز خانگی، بنزین و سوخت دیزلی را افزایش داد، با تظاهرات عمومی مواجه شد. وقتی دولت نیجریه، قیمت بنزین را افزایش داد، کارگران و دانشجویان به تظاهرات پرداختند و دولت ناچار به کاهش قیمت شد. ۳- حداقل چهار نوع هزینه در راستای طرح‌های هدفمندسازی یارانه‌ها وجود دارد. الف- هزینه‌های اداری. ب- هزینه‌های مربوط به شناسایی وسع و توان مالی خانوار. پ- هزینهٔ ارائهٔ یارانه‌های نقدی به خانوارها. ت- هزینهٔ نظارت به هنگام اجرای برنامه‌های هدفمندسازی. در شرح اهمیت این هزینه‌ها لازم است که به تجربهٔ مکزیک، هندوراس و نیکاراگوا توجه شود (توتونچی‌ملکی، ۱۳۸۷). (Nanak et al, 2005). (استوارت، ۱۳۷۶، ۱۳۱).

۲) روش مطالعه

روش تحقیق این مقالهٔ تحلیلی و از نوع اقتصادسنجی است. جهت استنباط، آمار و اطلاعات و داده‌ها از منابع مختلف بانک مرکزی و بانک جهانی (WDI, 2011) جمع‌آوری شده است. برای آزمون از روش اقتصادسنجی خود رگرسیون برداری استفاده شده است. جامعهٔ آماری این تحقیق کشور ایران، و دورهٔ زمانی مورد بررسی ۱۳۹۱-۱۳۵۳ می‌باشد.[۱]

۱ـ نگارندگان مقاله به منظور ارائه تحلیلی منطقی در خصوص اثر سیاست هدفمندی یارانه‌ها بر روی توزیع درآمد در ایران داده‌ها را تا سال ۱۳۹۱ پیش‌بینی و در مدل از آنها استفاده کرده‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

۳) یافته‌ها

۱-۳. مقایسهٔ وضعیت یارانه‌ها در ایران با کشورهای منتخب

نظام‌های اقتصادی گوناگون هر کدام به نحوی با مسئلهٔ یارانه مواجه می‌گردند. در کشورهای در حال توسعه هدف از پرداخت یارانه کاهش نابرابری‌های درآمدی و افزایش قدرت خرید برای طبقات اجتماعی با درآمدهای پایین می‌دانند. نظام‌های اقتصادی مبتنی بر بازار، پرداخت یارانه را مانع رشد تولید قلمداد می‌نمایند، و آن را مداخله در تعیین قیمت می‌دانند که بایستی توسط مکانیسم عرضه و تقاضا مشخص شود. شروع جنگ جهانی دوم، در حقیقت سرآغاز یارانه‌ها به مفهوم امروزی آن است زیرا محدودیت شدید منابع و توجه دولت به بخش‌های خاص، موجب گردید که دولت به صورت عملی وارد بازار شود. بعد از جنگ جهانی دوم، بحث افزایش رفاه داخلی بیش‌تر مدنظر قرار گرفت. مقایسهٔ سهم یارانه در مخارج دولتی ایران با کشورهای مختلف جهان دیدگاه روشن‌تری از وضعیت پرداخت‌های یارانه در ایران نسبت به دیگر کشورها به دست می‌دهد. با توجه به ارقام جدول (۱) مشخص می‌شود که در اغلب کشورها گرایش به قائده‌مندی سهم یارانه از مخارج دولت مشاهده می‌شود. از جدول (۱) چند نکته قابل استخراج است: ۱- در کشورهای توسعه‌یافته در بخش کشاورزی دولت یارانه را فقط به تولیدکنندگان اختصاص می‌دهد و مصرف‌کنندگان در این کشورها حمایتی از سوی دولت دریافت نمی‌کنند، علت این امر توزیع تقریباً مناسب درآمد و بالا بودن سطح درآمد سرانه در این کشورهاست. ۲- در سیستم‌های مبتنی بر بازار، دولت در مواردی مبادرت به پرداخت یارانه به تولید می‌نماید. تجارب و مطالعات نشان داده است که هر گاه یارانهٔ تولیدی منجر به کاهش هزینه‌های تولید، و در نهایت افزایش سود تولیدکننده شود، تولید آن کالا افزایش می‌یابد (Tanzi and Schuknecht, 1997).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

جدول (۱): نسبت یارانه و سایر پرداخت‌های انتقالی به مخارج دولت در کشورهای مختلف

کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۷	۲۰۰۹	کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۷	۲۰۰۹
کشورهای OECD						کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی					
استرالیا	۶۷/۳۴	۷۱/۳۹	۷۱/۲۰	۷۰	۷۳	ارمنستان	-	۳۲/۱۵	۳۶/۴۸	۳۴	۳۷
اتریش	۵۴/۵۶	۵۲/۹۳	۵۲/۳۵	۷۰	71	بحرین	۱۱/۰۱	۹/۱۴	۱۷/۹۷	-	-
بلژیک	۷۳/۸۱	۷۸/۵۰	۵۰/۹۸	۷۹	۵۳	گرجستان	۴۷/۹۷	۵۰/۳۷	۵۳/۱۱	۳۵	۴۹
کانادا	۵۹/۳۰	۶۶/۳۸	۶۶/۴۲	۶۷	۶۹	ایران	۲۴/۰۹	۳۵/۳۴	۳۳/۷۸	۳۲	۳۴
فنلاند	۶۷/۵۹	۷۰/۹۸	۷۰/۹۱	۷۱	۷۱	فلسطین اشغالی	۳۲/۰۲	۳۱/۰۸	۳۰/۷۵	۳۰	۳۲
فرانسه	۵۲/۴۹	۵۲/۳۰	۵۲/۵۶	۶۲	۵۴	اردن	۸/۲۶	۱۷/۸۷	۳/۱۷	۲۶	۳۰
آلمان	۸۰/۶۲	۸۲/۴۲	۸۲/۳۷	۸۲	۸۱	قزاقستان	۵۵/۲۹	۵۴/۳۸	۴۴/۲۸	۶۴	۶۹
یونان	۳۵/۷۹	۳۷/۳۵	۳۹/۸۷	۴۵	۵۰	کویت	-	۲۶/۵۴	۳۲/۴۲	۴۰	۵۸
ایرلند	۲۹/۷۵	۲۹/۵۸	۳۵/۹۴	۳۷	۴۰	پاکستان	۳/۲۲	۲۵/۴۶	۳۰/۲۹	۳۱	۲۱
ایتالیا	۶۰/۹۲	۶۳/۸۵	۴۵/۶۲	۶۴	۶۶	سایر کشورهای منتخب جهان					
لوگزامبورک	۶۷/۶۵	۶۷/۲۲	۶۶/۶۰	-	-	شیلی	-	۵۷/۵۷	۵۷/۲۵	۵۷	۵۱
هلند	۴۵/۹۶	۴۸/۲۸	۴۸/۰۵	۷۹	۷۹	چک	۷۳/۸۹	۷۳/۷۷	۶۸/۲۲	۷۱	۷۲
نیوزیلند	-	۴۰/۴۱	۳۹/۰۸	۳۸	۳۸	کره جنوبی	۵۳/۴۲	۵۰/۱۷	۵۲/۰۳	۵۸	۵۷
نروژ	۷۴/۴۹	۶۶/۹۰	۶۶/۹۷	۶۷	۶۷	پرو	۳۷/۰۱	۴۳/۹۳	۴۴/۹۶	۵۰	۴۷
پرتغال	۴۴/۵۷	۴۵/۸۶	۴۶/۷۰	۴۹	۵۱	فیلیپین	-	۱۷/۶۲	۱۷/۳۳	۱۹	۲۰
اسپانیا	۴۴/۰۳	۴۹/۳۳	۵۱/۰۸	۷۸	۸۰	روسیه	-	۴۶/۰۶	۵۲/۸۹	۶۱	۶۸
سوئد	۶۴/۵۵	۶۸/۰۱	۶۷/۷۲	-	-	توگو	-	۶/۶۳	۱/۷۴	۲۷	۱۸
انگلیس	۵۴/۵۶	۵۴/۱۲	۵۳/۵۷	۵۳	۵۳	اروگوئه	۶۵/۷۳	۴۶/۱۷	۴۷/۳۲	۴۸	۴۷
آمریکا	-	۶۱/۷۵	۶۱/۳۶	۶۰	62	ونزوئلا	۵۸/۹۷	۵۸/۷۵	۶۳/۵۷	۶۴	۶۴

Source: WDI, 2011

اقتصاد ایران با وجود ظرفیت‌های بالا، با مشکلات ساختاری چون کندی و نوسان رشد، تورم و بیکاری بالا، وخامت نسبی ترازپرداخت و نابرابری در توزیع درآمد رو به رو است. ریشهٔ این مشکلات را می‌توان در ضعف مدیریت بخش عمومی، دشواری سازمان اداری، دشواری‌های نهادی مثل وضع نابسامان حقوق مالکیت، پایین بودن کارآمدی، هدفمند نبودن یارانه‌ها، کارآیی پایین نظام مالیاتی، کاستی‌های نظام گمرکی، تنگناهای نظام بانکی و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

پول ملی جستجو کرد. به نظر می‌رسد سابقهٔ پرداخت یارانه در ایران به دوران قاجار برمی‌گردد که با اعطای بذر و مساعدهٔ کشاورزان صورت گرفت. سپس دخالت مستقیم دولت در عرضه و تقاضا از سال ۱۳۱۱ با خرید غله با هدف مقابله با کمبودهای احتمالی استمرار یافت. به این ترتیب تا سال ۱۳۲۱ هدف از دخالت دولت، حمایت از کشاورزان و نیز تهیهٔ نان ارزان برای مصرف‌کنندگان شهری بود. اما سابقهٔ پرداخت یارانه به مفهوم کنونی به سال‌های دههٔ ۱۳۴۰ برمی‌گردد که برای گوشت و گندم پرداخت می‌شد. میزان این یارانه‌ها تا قبل از افزایش قیمت نفت بسیار اندک بود. آخرین اقدام دولت قبل از انقلاب، تصویب قانون تأسیس سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان بود. بعد از پیروزی انقلاب، به دلیل تحریم اقتصادی و جنگ تحمیلی، عرضهٔ کالا و خدمات در ایران دچار نوسانات و مشکلات عمده‌ای شد که دولت برای مبارزه با این نوسانات، نظام قیمت‌گذاری کالاها را از سال ۱۳۶۰ به مرحلهٔ اجرا گذاشت. با پایان جنگ و شروع برنامهٔ اول توسعه، دولت در کنار اجرای برنامه‌های بازسازی به حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه در قالب پرداخت یارانه به کالای اساسی پرداخت. البته گرایش به سیاست‌های تعدیل اقتصادی در برنامهٔ اول توسعه بحث کاهش و حذف یارانه‌ها را در ابتدای دههٔ ۱۳۷۰مطرح نمود که در برنامهٔ دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴) ملموس‌تر شد. در اواخر دههٔ ۱۳۷۰ نگاه کاهش یا حذف یارانه، تحت عنوان «هدفمندکردن یارانه‌ها» مطرح گردید. در واقع سیاست‌گذاران به منظور اجتناب از نادیده انگاشتن آثار حذف یارانه بر گروه‌های هدف، تلاش کرده‌اند یارانه‌ها را به سوی گروه‌های هدف سوق دهند. در برنامهٔ سوم توسعه همچنان بحث سیاست‌های حمایتی و پرداخت یارانه از موضوعات محوری و کلیدی بود. بر اساس ماده واحدهٔ اصلاحیهٔ مواد (۴۶) و (۴۷) قانون برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی، دولت مکلف شد با انجام مطالعات و بررسی‌های کارشناسی، اقدامات قانونی به منظور هدفمند نمودن پرداخت یارانهٔ کالاهای اساسی و حامل انرژی را انجام دهد (وهابی و هندی، ۱۳۸۶).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

دولت هشتم مجلس ششم بحث‌های فراوانی را در مورد «هدفمندکردن یارانه‌ها» دنبال کردند که حاصل آن را می‌توان در سه بخش خلاصه کرد؛ ۱- افزایش قیمت فرآورده‌هایی همچون بنزین، گاز، نفت کوره و نفت گاز متناسب با نرخ تورم سالانه. ۲- آزاد کردن قیمت مابقی فرآورده‌های نفتی مثل قیر، روغن ماشین و پارافین و... در قالب قانون «تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت». ۳- جمع‌بندی مجموعه مباحث مرتبط با این موضوع در قالب مواد برنامه چهارم توسعهٔ مصوب مجلس ششم در سه فصل: «بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی»، «ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی» و «ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی». با استقرار مجلس هفتم با اکثریت اصول گرا، نه تنها برخی مواد و سیاست‌های برنامهٔ چهارم توسعهٔ مصوب مجلس ششم مورد حذف و اصلاح قرار گرفت بلکه با تصویب طرح «تثبیت قیمت‌های» حامل‌های انرژی و الزام دولت به اجرای «سهمیه‌بندی بنزین» نگرش جدیدی بر بحث «قیمت فرآورده‌های نفتی» حاکم شد. برای توقف اتلاف انرژی و ضررهای مالی، قانون برنامهٔ چهارم پنج سالهٔ توسعهٔ اقتصادی، مصوب مجلس ششم، انطباق سالانهٔ قیمت‌های یارانه‌ای با استانداردهای بین المللی در طول پنج سال را الزامی کرد. ولی لایحهٔ تثبیت قیمت‌ها، مصوب مجلس «اصول‌گرای» هفتم، اجبار فوق را ملغی کرد و رئیس مجلس آن را عیدی نوروزی به مردم نامید. در نتیجهٔ شکاف بین قیمت‌های جهانی و داخلی به تدریج افزایش یافت. با روی کار آمدن دولت نهم اجرای مواد قانون برنامهٔ چهارم توسعه مرتبط با این موضوع، که از ابتدای سال ۸۴ باید به اجرا درمی‌آمد، و به‌ویژه مادهٔ ۳ قانون برنامهٔ چهارم (مصوب مجلس هفتم) به بوتهٔ فراموشی سپرده شد و قانون «تثبیت قیمت‌ها» محور قرار گرفت. با اجرای این سیاست، در واقع حامل‌های انرژی سال به سال ارزان‌تر شد و به عنوان «یارانه»، هزینهٔ بیش‌تری را به بودجهٔ عمومی تحمیل کرد. ماده ۳ قانون برنامه چهارم توسعه تا حدودی روشن می‌کند که دولت اصلاح‌طلب دریافته بود که ادامهٔ وضعیت یارانه‌ای (دست کم در مورد حامل‌های انرژی) معقول نیست. مادهٔ ۳ قانون برنامه چهارم توسعه به این صورت تصریح می‌کند: «به منظور

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

به حداکثر رساندن بهره‌وری از منابع تجدیدناپذیر انرژی، شکل‌دهی مازاد اقتصادی، انجام اصلاحات اقتصادی، بهینه‌سازی و ارتقای فن‌آوری در تولید، مصرف و نیز تجهیزات و تأسیسات مصرف‌کنندهٔ انرژی و برقراری عدالت اجتماعی، دولت مکلف است ضمن فراهم آوردن مقدمات لازم از جمله گسترش حمل و نقل عمومی و عملیاتی کردن سیاست‌های مستقیم جبرانی، اقدام‌های ذیل را از ابتدای برنامهٔ چهارم به اجرا گذارد:

الف- نسبت به قیمت‌گذاری نفت کوره، نفت گاز و بنزین بر مبنای قیمت‌های عمده فروشی خلیج‌فارس، اقدام کرده و از محل منابع حاصله اقدامات ذیل را به عمل آورد؛ ۱- کمک مستقیم و جبرانی از طریق نظام تأمین اجتماعی به اقشار آسیب‌پذیر. ۲- مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و مسکن شهری و روستایی در مقابل زلزله و بهینه‌سازی ساخت و سازها در مصرف انرژی. ۳- کمک به گسترش و بهبود کیفیت حمل و نقل عمومی (درون‌شهری و برون‌شهری، راه‌آهن وجاده‌ای)، تولید خودروهای دوگانه‌سوز و همچنین توسعهٔ عرضهٔ گاز طبیعی فشرده با قیمت‌های یارانه‌ای به حمل و نقل عمومی درون شهری. ۴- کاهش نقاط حادثه‌خیز جاده‌ای و تجهیز شبکهٔ فوریت‌های پزشکی پیش بیمارستانی و بیمارستانی کشور. ۵- اجرای طرح‌های بهینه‌سازی و کمک به اصلاح و ارتقای فن‌آوری وسایل، تجهیزات کارخانجات و سامانه‌های مصرف‌کنندهٔ انرژی در جهت کاهش مصرف انرژی و آلودگی هوا و توانمندسازی مردم در کاربرد فن‌آوری‌های کم‌مصرف. تبصرهٔ۱؛ نفت گاز برای تأمین آب بخش کشاورزی با قیمت نفت سفید یارانه‌ای به صورت سهمیه‌ای عرضه خواهد شد.

ب ـ قیمت گاز طبیعی برای صنایع بر مبنای کم‌ترین سطح قیمت آن در صنایع کشورهای هم‌جوار، توسط دولت در ابتدای برنامه تعیین می‌شود.

ج ـ در انرژی برق از خانوارهای کم‌مصرف حمایت صورت گیرد. حال مناسب است داده‌های جدول (۲) مورد توجه قرارگیرد. جدول (۲) میزان و سهم یارانه‌ها به تفکیک یارانه‌های تولیدی، مصرفی و خدماتی در طول سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۲ در ایران را نشان می‌دهد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

جدول (۲): یارانه‌های پرداختی تولیدی، مصرفی و خدماتی طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۲ (میلیون ریال)

سال	یارانهٔ تولیدی		یارانهٔ مصرفی		یارانهٔ خدماتی		کل یارانه
	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	
۱۳۵۲	۱۸۶۳	۲۵/۷	۵۳۹۷	۷۴/۳	–	–	۷۲۶۰
۱۳۵۳	۸۵۳۷	۱۳/۳	۵۵۴۹۱	۸۶/۷	–	–	۶۴۰۲۸
۱۳۵۴	۱۱۴۵۷	۹/۸	۱۰۵۶۹۱	۹۰/۲	–	–	۱۱۷۱۴۸
۱۳۵۵	۸۵۴۵	۱۰/۲	۷۵۴۱۷	۸۹/۸	–	–	۸۳۹۶۲
۱۳۵۶	۹۹۵۶	۱۵/۱	۵۵۸۳۹	۸۴/۹	–	–	۶۵۷۹۵
۱۳۵۷	۵۱۱۹	۱۲	۳۷۵۰۱	۸۸	–	–	۴۲۲۶۰
۱۳۵۸	۷۵۵۷	۹/۵	۷۱۶۸۵	۹۰/۵	–	–	۷۹۲۴۲
۱۳۵۹	۱۴۵۶۲	۳۹	۲۲۷۶۲	۶۱	–	–	۳۷۳۲۴
۱۳۶۰	۲۷۶۲۹	۳۴	۵۳۶۷۷	۶۶	–	–	۸۱۳۰۶
۱۳۶۱	۲۸۴۰۳	۲۵/۹	۶۷۷۹۷	۶۱/۸	۱۳۵۲۷	۱۲/۳	۱۰۹۷۲۷
۱۳۶۲	۲۸۲۵۶	۲۶/۶	۶۵۵۵۸	۶۱/۸	۱۲۲۶۴	۱۱/۶	۱۰۶۰۷۸
۱۳۶۳	۳۰۳۰۴	۲۵/۲	۸۰۶۳۹	۶۷/۲	۹۱۲۸	۷/۶	۱۲۰۰۷۱
۱۳۶۴	۲۴۹۲۲	۲۱/۴	۸۲۱۱۳	۷۰/۶	۹۳۱۷	۸	۱۱۶۳۵۲
۱۳۶۵	۲۶۰۶۹	۲۰/۵	۹۷۲۲۸	۷۶/۴	۴۰۴۵	۳/۲	۱۲۷۳۴۲
۱۳۶۶	۲۴۹۸۴	۲۳/۹	۷۵۶۴۷	۷۲/۳	۳۹۴۹	۳/۸	۱۰۴۵۸۰
۱۳۶۷	۲۴۸۸۲	۲۷/۳	۶۰۶۸۸	۶۶/۷	۵۴۳۸	۶	۹۱۰۰۸
۱۳۶۸	۴۱۰۹۰	۲۵/۳	۹۸۶۲۲	۶۰/۷	۲۲۸۱۸	۱۴	۱۶۲۵۳۰
۱۳۶۹	۱۰۲۱۶۰	۲۵/۳	۲۶۳۰۰۷	۶۵/۱	۳۸۷۷۲	۹/۶	۴۰۳۹۴۲
۱۳۷۰	۱۱۵۵۶۴	۲۲/۴	۳۷۲۵۶۲	۷۲/۴	۲۶۸۰۴	۵/۲	۵۱۴۹۳۰
۱۳۷۱	۱۶۷۲۴۷	۱۶	۷۷۷۴۶۵	۷۴/۳	۱۰۰۳۱۴	۹/۶	۱۰۴۵۰۲۶
۱۳۷۲	۳۶۸۳۹۰	۱۷/۳	۱۵۶۲۱۷۳	۷۳/۶	۱۹۴۰۳۰	۹/۱	۲۱۲۴۵۹۳
۱۳۷۳	۵۵۳۲۴۰	۱۵	۳۱۲۷۴۷۳	۸۴/۸	۵۶۵۵	۰/۱۵	۳۶۸۶۳۳۲
۱۳۷۴	۶۵۴۸۹۵	۱۳/۴	۴۱۶۱۰۰۰	۸۵	۱۸۱۳۳	۰/۳۷	۴۸۹۵۰۲۸
۱۳۷۵	۵۹۷۵۰۰	۱۰/۷	۴۹۹۷۰۰۰	۸۹/۱	۱۱۶۰۰	۰/۲	۵۶۰۶۱۰۰
۱۳۷۶	۶۰۱۸۰۰	۱۱/۸	۴۴۶۶۰۰۰	۸۷/۸	۱۷۵۰۰	۰/۳	۵۰۵۸۳۰۰

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

سال	یارانهٔ تولیدی		یارانهٔ مصرفی		یارانهٔ خدماتی		کل یارانه
	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	
۱۳۷۷	۵۱۶۷۰۰	۸/۹	۵۲۶۶۶۰۰	۹۰/۷	۲۲۸۰۰	۰/۴	۵۸۰۶۱۰۰
۱۳۷۸	۶۰۵۱۰۰	۸/۸	۶۲۳۲۶۰۰	۹۰/۶	۴۳۶۰۰	۰/۶۳	۶۸۸۱۳۰۰
۱۳۷۹	۷۸۰۰۰۰	۹/۸	۷۰۶۴۵۲۰۰	۸۹/۲	۵۷۸۰۰	۱	۷۹۲۰۰۰۰
۱۳۸۰	۷۹۱۰۰۰	۸/۹	۸۹۲۲۴۰۰	۸۹/۱	۱۹۸۴۰۰	۲	۱۰۰۱۱۸۰۰
۱۳۸۱	۷۸۴۸۰۰	۶/۲	۱۱۷۰۹۹۰۰	۹۲	۲۲۸۰۰	۱/۸	۱۲۷۲۲۷۰۰
۱۳۸۲	–	–	–	–	–	–	۱۶۴۹۸۸۰۰
۱۳۸۳	–	–	–	–	–	–	۲۴۹۳۰۸۰۰
۱۳۸۴	–	–	–	–	–	–	۴۵۶۰۴۲۷۰
۱۳۸۶-۱۳۸۵*	–	–	–	–	–	–	۴۱۷۶۳۷۰۰

*. آمار ۱۳۸۵ تا تیر ۱۳۸۶

مأخذ: سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، ، سال‌های مختلف.

همان‌طور که از جدول ملاحظه می‌شود، بعد از شوک اول نفتی (۱۳۵۳)، رشد یارانه‌ها همسو با رشد درآمدهای نفتی در بخش‌های مختلف است. رشد یارانه‌ها طی سال‌های بعد از انقلاب تا کنون نیز ادامه داشته است. سهم یارانه‌های مصرفی بیش از یارانه‌های تولیدی و خدماتی بوده است. طی سال‌های اخیر یارانهٔ پرداختی برای مصرف‌کنندگان دچار افزایش چشم‌گیری شده است و این در حالی است که یارانهٔ تولیدی برای بخش کشاورزی (باوجود اهمیت این بخش به عنوان زیر بنای توسعهٔ کشور) با افزایش بسیار کندی همراه بوده است.

۲-۳. توزیع درآمد، نابرابری و یارانه

یک بحث مرتبط با یارانه‌ها وضعیت توزیع درآمد است. در کنار نقش‌های قانونی، تخصیصی و تثبیتی، دولت نقش توزیعی نیز به عهده دارد. نارسایی‌های بازار، تنها به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

کارآیی و تخصیص منابع منحصرنشده، بلکه مشکلات دیگری نیز وجود دارد کـه یکـی از آن‌ها، غیرعادلانه بودن توزیع درآمد و وجود فقر و نابرابری است. نابرابری توزیع درآمد که «سیمون کوزنتس» آن را شرط اول توسعهٔ سازمان صنعتی می‌داند، بـه عنـوان عامـل ایجـاد نارضایتی اجتماعی(که می‌تواند موجب کاهش کـارآیی و بهـره‌وری شـود)، بـیش از پـیش مورد توجه قرار گرفت. به منظور شناخت و اندازه‌گیری نابرابری در جوامع، شاخص‌هـای متعددی از سوی اندیشمندان ارائه گردیـده اسـت. ضـریب جینـی متـداول‌تـرین شـاخص نابرابری درآمد است و در عین حال، دارای اشکالاتی هم هست. معمولاً اگر ایـن شـاخص بین ۳۴-۲۰ باشد, توزیع نسبتاً متعادل و اگر میان ۵۰-۳۵ باشد توزیع نـسبتاً نـابرابر و اگـر بیش از ۵۰ باشد توزیع کاملاً نـابرابر اسـت. کـوزنتس (Kuznets,1955) بـرای اولـین بـار نظریه‌ای ارائه داد که بر طبق آن نابرابری درآمدی طی اولین مراحل رشـد اقتـصادی رو بـه افزایش می‌گذارد و سپس هم تراز می‌شود و بالأخره طی مراحل بعدی کاهش مـی‌یابـد. او همچنین نشان داد که توزیع درآمد شخصی در کشورهای کـم‌تـر توسـعه‌یافتـه نـسبت بـه کشورهای توسعه‌یافته نابرابرتر است. مطالعات زیادی فرضیهٔ کوزنتس را مورد بررسی قرار داده‌اند.[1] پیرسون و تابلینی (Persson and Tabellini,1994)، اثر نابرابری بر رشد اقتـصادی را منفی برآورد کردند. آلسینا و رودریک (Alesina and Rodrik, 1994).

آلسینا و پروتی (۱۹۹۶) معتقدند که افزایش نابرابری موجـب کـاهش رشـد اقتـصادی می‌شود.. بَرو (Barro,2000)، رابطهٔ غیرمعنی‌داری بین رشد و نابرابری برای کشورهای فقیر و رابطهٔ مثبتی برای کشورهای ثروتمند بدست آورد. فوربیس (Forbes, 2000)، رابطهٔ مثبتی بین نابرابری و رشد را برای کشورهای مختلف جهـان بدسـت آورد. دِمیلـو و تیونگـسون (De mello and Tiongson, 2003)، به این نتیجه رسـیدند کـه رابطـهٔ بـین توزیـع مجـدد مخارج دولت و نابرابری درآمد یک رابطهٔ غیرخطی است. هـسینگ (Hsing,2005)، نـشان

۱ـ بـرای نمونـه مـی‌تـوان بـه مطالعـات: جهـا (Jha,1999)، دنینجـر و اسـکویر(Deininger & Squire,1996)، پـانیزا (Panizza,2002)، کیسنی و همکاران(Cysne , et al, 2005)، موران(Moran,2005) ، مراجعه کرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

داد که افزایش نابرابری باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. نتایج مطالعهٔ ایردیان (Iradian,2005)، حاکی از اثر منفی نابرابری بر رشد اقتصادی است. بررسی لوپز (Lopez, 2006)، حاکی از این بود که فرآیند رشد اقتصادی باعث افزایش نابرابری شده و در طول دههٔ ۱۹۹۰ ارتباط بین رشد اقتصادی و نابرابری مثبت و معنی‌دار می‌شود. مطالعهٔ کریا (Correia, 2009) نشان داد که کاهش تورم همراه با افزایش مالیات نیروی کار رفاه افراد فقیر را بیش‌تر از افراد ثروتمند افزایش می‌دهد. مطالعهٔ دادگر و نظری (Dadgar and Nazari, 2011) برای دورهٔ ۲۰۰۹-۱۹۷۴ برای اقتصاد ایران نشان می‌دهد که بزرگ‌شدن دولت باعث افزایش نابرابری می‌شود. مطالعهٔ آقاجان‌زاده و سلمانی (۱۳۶۰) نشان می‌دهد که رشد اقتصادی سبب بدتر شدن وضع توزیع درآمد شده است. نتایج بررسی نیلی و فرح بخش (۱۳۷۷) حاکی از این بود که رشد اقتصادی و توزیع درآمد حرکتی هم‌جهت دارند و رشد اقتصادی باعث بهبود توزیع درآمدها می‌گردد. همچنین نرخ تورم و بیکاری وضعیت توزیع درآمدها را نامطلوب‌تر می‌کند. نتایج بررسی زیبایی (۱۳۸۴) حاکی از آن است که افزایش بهره‌وری نیروی کار و اصلاح نرخ ارز حقیقی در بلندمدت باعث بهبود توزیع درآمدها و کاهش نابرابری می‌شود اما افزایش تورم و بیکاری منجر به بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود. همچنین افزایش بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری سرمایه باعث بهبود رفاه اجتماعی می‌گردد. بر اساس نتایج مطالعهٔ افشاری و عزیزخانی (۱۳۸۴)، اثر شوک‌های فرار مالیاتی بر توزیع درآمد منفی است. بررسی اقبالی و جرجرزاده (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی سبب نابرابر شدن توزیع درآمد می‌گردد. مطالعهٔ دادگر و نظری (۱۳۸۶)، حاکی است که رشد دولت چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت باعث افزایش ضریب جینی و لذا افزایش نابرابری در ایران گردیده است. بنابراین اولاً توزیع درآمد و رفاه به مجموعهٔ معنی‌داری از عوامل مربوط است که برای سیاست‌گذاری بهینهٔ ملاحظهٔ این ارتباطات کلیدی است. در ثانی اعمال هر نوع خط‌مشی پیرامون یارانه‌ها بایستی باتوجه به فضای سازگار مربوط به کارکرد متغیرهای فوق صورت گیرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

۳-۳. شاخص‌های رفاه و توزیع درآمد در ایران و کشورهای منتخب

عملکرد اقتصاد هر کشوری در بعد عدالت اجتماعی، علاوه بر مطالعات مربوط بـه فقـر، از طریق مطالعهٔ تحولات توزیع درآمد[1] و شاخص‌های رفـاه نیـز صـورت مـی‌گیـرد. جهـت بررسی توزیع درآمد و رفاه از شـاخص‌هـای مختلفـی در ادبیـات اقتـصاد بخـش عمـومی استفاده می‌شود. به‌طور معمـول، مـسئلهٔ نـابرابری در چهـار قلمـرو بررسـی مـی‌شـود: ۱- نابرابری در قلمرو ملی؛ ۲- در قلمرو بین گروه‌های قومی، نژادی و منطقه‌ای؛ ۳- بین زن و مرد ؛ ۴- نابرابری بین‌المللی. در این قسمت مسئلهٔ نابرابری بین‌المللـی و بـه طـور خـاص بررسی وضعیت در میان کشورهای منتخب جهان مورد نظراست. جدول (۳) شاخص‌هـای رفاه و توزیع درآمـد در ایـران و کـشورهای مختلـف جهـان را نـشان مـی‌دهـد. یکـی از شاخص‌های سنجش توزیع درآمد، نسبت ۱۰ درصد ثروتمندترین (هزینهٔ دهک بالا) به ۱۰ درصد فقیرترین (دهک پایین) است که هرچه این نسبت بالاتر باشد نشان‌دهنـدهٔ نـابرابری بیش‌تر است. بر اساس این شاخص ایران با ۱۱/۶ درصد بیش‌تر از بـسیاری از کـشورهای جدول (۳) است که این نشان‌گر وجود نابرابری درآمدی دراین کشور است. ایران همچنین با ضریب جینی ۳۸/۳ صدم، با وضعیت نابرابری در توزیع درآمد مواجه است.

۱ـ توزیع متعادل درآمد در عین حال یکی از شاخص‌های توسعهٔ انسانی محسوب می‌شود. ایران در سـال ۱۳۸۸ در بـین کشورهای جهان رتبهٔ ۸۸ از توسعه انسانی را کسب کرده است. (Human Development Report, 2009)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

جدول (۳): شاخص‌های رفاه و توزیع درآمد در کشورهای مختلف جهان

کشور	نسبت ۱۰درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین	ضریب جینی	کشور	نسبت ۱۰درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین	ضریب جینی
کشورهای OECD			کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی		
استرالیا	۱۲/۵	۳۵/۲	ارمنستان	۷/۹	۳۳/۸
اتریش	۶/۹	۲۹/۱	بحرین	-	-
بلژیک	۸/۲	۳۳	گرجستان	۱۵/۹	۴۰/۸
کانادا	۹/۴	۳۲/۶	ایران	۱۱/۶	۳۸/۳
فنلاند	۵/۶	۲۶/۹	فلسطین اشغالی	۱۳/۴	۳۹/۲
فرانسه	۹/۱	۳۲/۷	اردن	۱۰/۲	۳۷/۷
آلمان	۶/۹	۲۸/۳	قزاقستان	۸/۵	۳۳/۹
یونان	۱۰/۲	۳۴/۳	کویت	-	-
ایرلند	۹/۴	۳۴/۳	پاکستان	۶/۷	۳۱/۲
ایتالیا	۱۱/۶	۳۶	سایر کشورهای منتخب جهان		
لوگزامبورک	۶/۸	۳۰/۸	شیلی	۲۶/۲	۲۲/۶
هلند	۹/۲	۳۰/۹	چک	۵/۳	۲۵/۸
نیوزیلند	۱۲/۵	۳۶/۲	کره جنوبی	۷/۸	۳۱/۶
نروژ	۶/۱	۲۵/۸	پرو	۲۶/۱	۴۸
پرتغال	۱۵	۳۸/۵	فیلیپین	۱۴/۱	۴۴
اسپانیا	۱۰/۳	۳۴/۷	روسیه	۱۱	۴۲/۳
سوئد	۶/۲	۲۵	توگو	۸/۳	۳۴/۴
انگلیس	۱۳/۸	۳۶	اروگوئه	۲۰/۱	۴۲/۴
آمریکا	۱۵/۹	۴۰/۸	ونزوئلا	۱۸/۸	۴۳/۵

Source: Human Development Report, 2011

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

چند نکتهٔ کلی را می‌توان بر اساس جدول (۳) استخراج کرد: ۱- ویژگی برجسته در این مقایسه وجود دو وضعیت کم‌ترین برابری و بیش‌ترین برابری توزیع درآمد است. ضریب جینی برخی کشورها (OECD) نسبت به کشورهای دیگر کم‌تر نابرابر و برای برخی کشورها بیش‌تر نابرابر است. یک دلیل اصلی ضریب جینی کم‌ترنابرابر برای برخی کشورها، هدفمند بودن یارانه‌هاست. ۲- پدیدهٔ فقر و نابرابری در بسیاری از کشورها وجود دارد اما شدت و میزان آن در کشورهای مختلف جهان متفاوت است. ۳- توزیع نامناسب درآمد از جمله مشکلاتی است که کشورهای مورد بررسی (و در کل کشورهای در حال توسعه) با آن مواجه هستند. این مسئله در مورد کشورهای نفتی همچون ایران قابل ملاحظه است. در کشورهای نفتی همچون ایران نفت تقریباً به طور مستقل از بخش‌های دیگر اقتصاد، درصد قابل ملاحظه‌ای از درآمدهای دولت را تأمین می‌کند. ۴- عوامل زیادی (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) می‌تواند علل نابرابری باشد که در این میان علاوه بر ناکارآمدی مدیریت بخش عمومی از عامل بهره‌وری به عنوان عامل اساسی اقتصادی می‌توان نام برد.

روند توزیع درآمد در ایران: جدول (۴) شاخص‌های توزیع درآمد در ایران برای دورهٔ زمانی **۱۳۸۷-۱۳۴۸** نشان می‌دهد. طی دورهٔ ۱۳۵۲-۱۳۴۸ ضریب جینی از ۴۳/۶۸ به ۴۷/۷۵ افزایش یافته است. در دورهٔ ۱۳۵۷-۱۳۵۳ ضریب جینی از ۴۹/۹۲ به ۴۳/۶۰ کاهش یافته است. در دهه اول بعد از انقلاب، یعنی دورهٔ ۱۳۶۷-۱۳۵۷ ضریب جینی همراه با نوسان بوده که در نهایت در سال ۱۳۶۷، به ۴۰/۴۳ رسید. در طول برنامهٔ اول (۱۳۷۲-۱۳۶۸)، برنامهٔ دوم (۱۳۷۸-۱۳۷۴) و برنامهٔ سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) **و چهار سال** از برنامهٔ چهارم تغییر آنچنانی در ضریب جینی رخ نداده و این ضریب همچنان نشان‌دهندهٔ وضعیت نابرابری درآمد در اقتصاد ایران است. در مجموع می‌توان گفت که ضریب جینی در ایران در حول ۰/۵۵-۰/۳۵ بوده که این نشان می‌دهد توزیع درآمد در ایران ناعادلانه بوده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

جدول (۴): روند شاخص‌های توزیع درآمد در ایران

سال	سهم ۱۰درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین	ضریب جینی	سال	سهم ۱۰درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین	ضریب جینی	سال	سهم ۱۰درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین	ضریب جینی	سال	سهم ۱۰درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین	ضریب جینی
۱۳۴۸	۱۹/۵۰	۴۳/۶۸	۱۳۵۸	۲۶/۶۰	۴۶/۱۸	۱۳۶۸	۱۷/۶۰	۴۰/۹۲	۱۳۷۸	۱۵/۴۰	۴۰/۰۹
۱۳۴۹	۲۱/۴۰	۴۴/۲۹	۱۳۵۹	۱۷/۹۰	۳۹/۸۴	۱۳۶۹	۱۵/۹۰	۳۹/۶۹	۱۳۷۹	۱۵/۰۰	۳۹/۹۱
۱۳۵۰	۲۴/۴۰	۴۶/۷۹	۱۳۶۰	۲۰/۰۵	۴۱/۹۷	۱۳۷۰	۱۶/۳۰	۳۹/۹۶	۱۳۸۰	۱۴/۴۰	۳۹/۸۵
۱۳۵۱	۲۲/۸۰	۴۶/۰۶	۱۳۶۱	۲۲/۲۰	۴۴/۱	۱۳۷۱	۱۵/۹۰	۳۸/۷	۱۳۸۱	۱۶/۹۰	۴۱/۹۱
۱۳۵۲	۲۶/۲۰	۴۷/۷۵	۱۳۶۲	۲۵/۵۰	۴۵/۴	۱۳۷۲	۱۶/۰۰	۳۹/۷۶	۱۳۸۲	۱۶/۲۰	۴۱/۵۶
۱۳۵۳	۲۹/۵۰	۴۹/۹۲	۱۳۶۳	۱۸/۵۰	۴۰/۴۳	۱۳۷۳	۱۵/۷۰	۳۹/۹۳	۱۳۸۳	۱۴/۶۰	۳۹/۹۶
۱۳۵۴	۳۳/۸۰	۵۰/۲	۱۳۶۴	۱۶/۱۰	۳۹/۱	۱۳۷۴	۱۶/۱۰	۴۰/۷۴	۱۳۸۴	۱۴/۵۰	۴۰/۲۳
۱۳۵۵	۳۱/۴۰	۴۸/۰۵	۱۳۶۵	۱۷/۰۰	۳۹/۴۴	۱۳۷۵	۱۴/۵۰	۳۹/۱	۱۳۸۵	۱۴/۹۰	۴۰/۰۴
۱۳۵۶	۲۴/۷۰	۴۵/۸۴	۱۳۶۶	۱۷/۴۰	۴۰/۳۸	۱۳۷۶	۱۵/۷۰	۴۰/۲۹	۱۳۸۶	۱۵/۲۰	۴۰/۴۵
۱۳۵۷	۱۹/۶۰	۴۳/۶	۱۳۶۷	۱۷/۳۰	۴۰/۴۳	۱۳۷۷	۱۴/۲۰	۳۹/۶۵	۱۳۸۷	۱۳/۵	۳۸/۵۹

منبع: بانک اطلاعاتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در اکثر کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌های توزیعی دولت، از طریق سیاست‌های مالیاتی و مشارکت دولت در هزینه‌های سازمان‌های تأمین اجتماعی صورت می‌گیرد. بدین صورت که دولت برای بهبود توزیع درآمد، مالیات بیش‌تری از گروه‌های بالای درآمدی دریافت کرده و با افزایش درآمدهای مالیاتی، خدمات بیش‌تری را به صورت تأمین اجتماعی در اختیار گروه‌های فقیر جامعه قرار می‌دهد. در ایران چند سازمان متولی بهبود توزیع درآمد می‌باشند. یکی وزارت امور اقتصاد و دارایی است که با استفاده از ابزارهای مالیاتی نقش مهمی دارد. دوم نظام تأمین اجتماعی است. مجموعهٔ عملکرد دستگاه‌های ذی‌ربط در ایران در ارتباط با توزیع درآمد با دشواری‌های قابل توجهی همراه بوده و هست. لذا سیاست‌های مربوطه نتوانسته است نوعی توزیع درآمد قابل قبول فراهم آورد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

۴-۳. ملاحظات اقتصادی و اجتماعی هدفمندی یارانه‌ها

یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشور نرخ بالای بیکاری بوده، که در آینده با ورود هرچه بیش‌تر نیروهای جوان تحصیل‌کرده با انتظارات بالا، ابعاد گسترده‌تری خواهد یافت. حل این معضل، مستلزم یک نرخ رشد اقتصادی بالاست. برای کسب چنین رشدی، نیاز به مدل توزیع درآمد به همراه رشد اقتصادی می‌باشد. در ایران تاکنون مدل توزیع قبل از رشد مطرح بوده است، که قطعاً در بلندمدت قابل دوام نخواهد بود. از این رو حرکت به سمت مدل توزیع درآمد به همراه رشد اقتصادی اجتناب‌ناپذیر و مناسب است سیاست اصلاح یارانه با توجه این واقعیت به پیش رود. یکی دیگر از چالش‌های کنونی اقتصاد ایران، پدیدهٔ تورم است. فشارهای تورمی در ایران کم‌تر بر رشد تولید اثر داشته، که بی‌کششی عرضهٔ تولید داخلی نسبت به تغییرات قیمت یکی از مهم‌ترین دلیل‌های آن می‌باشد. از طرفی وجود درآمدهای نفتی نیز همیشه این امکان را برای اقتصاد ایران فراهم کرده که تورم حاصل از ناکارآیی‌های اقتصاد قبل از آن که بر تولید داخلی اثر داشته باشد، از طریق واردات پاسخ داده شود. در ضمن عقب‌ماندگی تکنولوژی تولید در اغلب بخش‌ها نیز دلیل دیگر بی‌کششی منحنی عرضهٔ داخلی است. یکی از شرایط اجرای موفق هدفمندی یارانه‌ها وجود دولت منضبط و کارآمد است. در شرایط کنونی عدم تحقق اهداف برنامهٔ چهارم توسعه، عدم شفافیت آمارها، و عدم توجه به نگاه کارشناسی و وسعت هزینه‌های جاری می‌تواند از جمله دلایل بی‌انضباطی و غیرکارآمدی دولت باشد.

اگر چه سیاست‌های قیمتی ممکن است به بهبود و اصلاح قیمت‌های نسبی بینجامد، اما باید توجه داشت قیمت‌های بالاتر برای کالاهای مورد حمایت هنگامی به عرضهٔ بیش‌تر (و در نتیجه تعدیل تورم) می‌انجامد که از طریق ایجاد اشتغال برای گروه‌های کم‌درآمد (که سهم بزرگی از درآمدشان را صرف کالاهای اساسی می‌کنند)، دنبال شود. در غیر این‌صورت لازم است برای حمایت از گروه‌هایی که مشارکتی در منافع حاصل از افزایش قیمت ندارند، سیاست‌های دیگری تدبیر شود. به عبارت دیگر، اصلاح سیاست‌های سمت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

عرضهٔ اقتصاد که منجر به کارآیی در تولید و گسترش اشتغال گردد، مقدم بر اصلاح قیمت‌های نسبی است.

یکی از اهداف اصلاح برنامه‌های یارانه‌ای، حصول به این اطمینان است که بخش عمده‌ای از هزینه‌های برنامه به حمایت گروه هدف اختصاص یابد. در حالی‌که به نظر می‌رسد در این مورد معیار روشنی برای شناسایی این گروه‌ها و حل دشواری‌های بعدی درنظر گرفته نشده است.[1] نظر به ساختار فقر و نابرابری درآمد در اقتصاد، شناسایی قابل قبولی از دهک‌ها با اطلاعات، سازوکار و مدیریت موجود امکان‌پذیر نیست. بطور کلی هدفمندسازی زمانی مؤثر است که جامعهٔ هدف کم‌تر از ۵۰٪ جمعیت باشد. حال آن که مطالعات نشان می‌دهند افزایش شاخص هزینهٔ زندگی در اثر حذف یارانه‌ها تا دهک هفتم قابل توجه است. از طرفی وقتی پرداخت یارانهٔ نقدی مطرح می‌شود، هزینهٔ اجرایی و اداری و پرداخت‌های حمایتی در خلال هدفمندسازی افزایش می‌یابد.

شتاب‌زده بودن سیاست دولت در جهت حذف یارانه‌ها به خوبی آشکار است و تجربیات تلخ تاریخی اقتصاد ایران نشان‌گر شکست سیاست‌های شتاب‌زده و بلندپروازانه بوده است.

یک نکتهٔ مهم دیگر، واکنش غیرقابل پیش‌بینی جامعه در مواجهه با تغییر شکل یارانه‌هاست. که به اعتقاد ما چنین موضوعی در نظر گرفته نشده است. تصور طراحان این است که افزایش قیمت لزوماً به کاهش مصرف و افزایش رشد اقتصادی می‌انجامد. حال آن که در درجهٔ اول، واکنش گروه‌های مصرف کننده می‌تواند صرفاً در قالب کاهش مصرف نباشد و در درجهٔ دوم، حرکت از آزادسازی قیمت تا رسیدن به رشداقتصادی فرآیندی دقیق بوده که نیازمند ابزارهایی است که مدیریت اقتصادی فعلی کشور، فاقد آن است. از طرفی حتی اگر بپذیریم که افزایش قیمت منجر به کاهش مصرف می‌شود آنگاه در شرایط رکودی حاکم بر اقتصاد ایران رکود تشدید می‌شود که خود نقض غرض اولیه است.

۱ـ بهترین ادعا در این رابطه، کنارگذاشتن بستهٔ خوشه بندی(با وجود هزینهٔ سنگین شکل‌گیری آن)می باشد. شاید یک دلیل این کار، آشکارشدن ناکارآمدی آن بوده باشد. جالب توجه است که میلیون‌ها فرم پرشده توسط پاسخ‌دهنده‌ها به کنار گذاشته شد و تمام افراد مبلغ نقدی یکسانی دریافت کردند .

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

نتایج هدفمندسازی معقول یارانه‌ها، به طور بالقوه می‌تواند منجر به افزایش کارآیی نظام اقتصادی از طریق آزادسازی قیمت، مصرف بهینه، کاهش قاچاق، کاهش مخارج دولت، رفع عدم تعادل‌های بودجه‌ای و کاهش شکاف مصرف بین گروه‌های درآمدی گردد. اما با این حال بایستی به برخی ملاحظات برای موفقیت سیاست مربوطه توجه جدی داشت از جمله: الف- تلاش برای جلوگیری از تورم ناشی از آن، ب- توجه به شناسایی و پالایش خانوارهای هدف و توجه به برخی تغییرات در وضعیت خانوارها در طول دورهٔ اجرای طرح؛ پ- کاهش هزینه‌های اداری و تشکیلاتی مربوط به هدفمند کردن یارانه‌ها و ت- تأثیر منفی شناسایی فقرا از نظر روانی و شخصیتی. وانگهی، به اعتقاد اقتصاددانان، تصمیمات قابل پیش‌بینی و ثبات مربوطه، ضروری‌ترین ویژگی برای موفقیت سیاست اقتصادی است و حرکت‌های ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی، نه فقط به اعتبار سیاست‌گذار لطمه می‌زند بلکه بخش خصوصی را دچار سردرگمی و بلاتکلیفی می‌کند و ریسک سرمایه‌گذاری و کار را برای عاملین اقتصادی به شدت بالا می‌برد. فضای اقتصادی اجتماعی و مدیریتی کنونی ایران فاقد آمادگی‌های فوق بود لذا چشم‌انداز این برنامه مشخص نیست.

دورنمای کلی سیاست اخیر یارانه‌ها در ایران: آثار احتمالی اقتصادی و اجتماعی حذف یارانه‌ها در ایران را می‌توان به صورت زیر ذکر کرد:

۱- در مرحلهٔ گذار و فراهم نبودن شرایط، حذف یارانهٔ مواد غذایی و مصرفی نمی‌تواند عاملی در جهت تسریع در رشد اقتصادی باشد، بلکه بالعکس انگیزهٔ همیاری عمومی با مسئولان را کاهش می‌دهد که خود عامل نیرومندی در جهت کند نمودن حرکت توسعهٔ اقتصادی می‌شود. برای مثال: با حذف یارانه، به دلیل افزایش هزینه‌ها، اقشار کم‌درآمد ممکن است مصرف کالایی مانند شیر را کاهش دهند، در حالی که به لحاظ اهمیت شیر در تغذیه، لازم است ترتیبی اتخاذ گردد تا این طبقات بتوانند از شیر استفاده کنند.[۱]

۱ـ هم‌اکنون(مرداد ۱۳۸۹) که ۸ ماه از اجرای سیاست یارانه گذشته است، آمارهای اولیه نشان می‌دهد که مصرف شیر متجاوز از ۳۰٪ کاهش یافته است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

۲- هدفمندی یارانه‌ها یا حذف یارانه‌ها در اقتصاد ایران در راستای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی است که اجرای معقول آن، نیاز به ایجاد امنیت برای تشویق سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی دارد. سرمایه‌گذاران، تا زمانی که حاکمیت سیاسی کشور، دید روشنی از به رسمیت شناختن مالکیت خصوصی نداشته باشد، برای سرمایه‌گذاری بلندمدت انگیزه نخواهند داشت. کاهش فشار مالیات بر سرمایه‌گذاری‌ها، و ایجاد شرایط فرهنگی باز، از شرایط ابتدایی آزادسازی اقتصادی است. علاوه بر این اگر دولت، برنامه‌ای برای هدایت این سرمایه‌گذاری‌ها به بخش تولید نداشته باشد، این سرمایه‌ها به بخش پربازده رانتی، که ریسک کم‌تر و نیاز به سرمایه‌گذاری ثابت کم‌تری دارد، گرایش می‌یابند. فضای عمومی ایران حکایت از فراهم بودن شرایط فوق را نشان نمی‌دهد.

۳- حذف یارانهٔ کالایی و پرداخت نقدی فشار مضاعفی بر تراز تجاری اقتصاد در قالب کاهش ارزش پول ملی وارد خواهد کرد. اگر این پیش فرض درست باشد که دولت در پاسخ به فشار قیمت‌ها از واردات کالاهای اساسی حمایت نماید، در این صورت تخصیص منابع بین بخش تولید کالاهای قابل مبادله و بخش تولیدکالاهای غیر قابل مبادله (مثل مسکن و خدمات) قیمت‌ها در خلاف جهت حرکت خواهند کرد.

۴- برای بهبود واقعی شرایط گروه فقیر و توزیع درآمد، اقدامات دیگری باید مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله تغییرات نهادی و سیاست‌هایی که دسترسی فقرا را به دارایی‌های درآمدزا، مهارت و اشتغال را تسهیل کند. برای بخش‌هایی از جامعه که به هر دلیلی از چرخهٔ تولید خارج شده‌اند (مثل بازنشستگان، معلولین، خانوارهای بدون سرپرست و...) باید مکانیزمی تدارک دیده شود که بتواند با توجه به شرایط اقتصادی این گروه‌ها را از فقر دور نماید.

۵- افزایش قیمت نهاده‌های تولید، ظهور و بروز تورم و افزایش هزینهٔ نهاد تولید و افزایش قیمت تمام شده می‌تواند از دیگر پیامدهای سیاست‌های اخیر باشد. حذف یارانه‌ها بر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

هزینه‌های تولید خواهد افزود و قدرت نیمه‌جان رقابت آن‌ها را کاهش خواهد داد. فن‌آوری قدیمی و انرژی‌بر بودن صنایع دلایلی مضاعف برای سخت‌تر شدن وضع صنعت کشور خواهد بود. بر اساس مطالعات انجام شده، با فرض فروش حامل‌های انرژی به قیمت فوب خلیج فارس (با فرض هر بشکه نفت به قیمت ۴۸ دلار) میزان افزایش مستقیم قیمت تمام شده در اثر افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر سیمان و فولاد به ترتیب برابر ۲۰۵ درصد و ۵۰ درصد پیش‌بینی می‌شود. افزایش قیمت حامل‌های انرژی قطعاً منجر به افزایش مستقیم قیمت تمام شده طرح‌های عمرانی می‌شود (حلاج و پیله فروش، ۱۳۸۷، ۱۲).

۶- تبعات منفی حذف یارانه‌ها بر حوزهٔ سلامت نیز قابل توجه است و در بخش درمان دهک‌های پایین جامعه را با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد کرد. بیمارستان‌ها قادر نخواهند بود که هزینه‌های آب و برق خودشان را تأمین کنند. همچنین پرداخت نقدی یارانه‌ها در جامعه‌ای که دچار فشار تقاضا است، می‌تواند سازوکار هزینهٔ خانوار را به هم بریزد. افزایش درآمد خانواده باعث می‌شود تا سطح توقع اعضای خانواده بالا برود. این در حالی است که این افزایش درآمد با تورم از بین می‌رود، به عبارت دیگر، بیش‌تر نوعی توهم پولی حاکم است تا تحول و بهبود درآمدی حقیقی. همچنین نبود زیرساخت‌های لازم از جمله: نبود نهادهای کارآمد نظارتی، دولتی بودن اقتصاد و تکیهٔ بالای بودجه به نفت، پوشش ناقص بیمه‌های تأمین اجتماعی از جمله بیمه‌های درمانی و بیکاری، نبود شفافیت آماری و بانک‌های اطلاعات اقتصادی شهروندان و در نهایت نداشتن مدل معین اقتصادی برای اصلاحات یارانه‌ای پیامدهای منفی خاص خود را به دنبال خواهد داشت.

۷- دولت حتی قوانین یارانه را هم عمل نمی‌کند. مثلاً قیمت‌های یارانه‌ای قرار بود در طول پنج سال به سطح بین‌المللی برسد در صورتی که دولت برخی اقلام را یک شبه به آن سطح افزایش داده است؛ وانگهی الف) ابهام‌های خود قانون، و ب) دعوای فکری در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

خصوص سیاست «بهینه» تنظیم هزینه ـ قیمت (گزینهٔ شک درمانی در مقابل یک رهیافت تدریجی)، هم مطرح است. به عنوان مثال، آیا افزایش بیست درصدی سالانهٔ قیمت‌ها که در لایحه آمده به معنی بیست درصد از فاصله بین قیمت‌های ملی و بین‌المللی است؟ یا منظور بیست درصد افزون بر قیمت‌های موجود است؟ آیا مدت زمان پنج سال برای تنظیم قیمت‌ها ذکر شده در قانون به معنای افزایش برابر قیمت‌ها در هر سال است؟ یا به صلاح دید مسئولین ذی‌ربط سرعت افزایش قیمت‌ها در طول پنج سال تنظیم می‌گردد. با استفاده از این ابهام‌ها، رئیس‌جمهور، با اعتقاد به اثرگذار بودن شوک درمانی در مقابل حرکت تدریجی، تصمیم گرفته و می‌گیرد.

۸- نیاز مبرم به اصلاح یارانه‌ها مورد وفاق همگانی است، چرا که وضع موجود به طور غیرقابل تحملی، پرهزینه، غیرسازنده، و به طور کلی ناپایدار است. مصرف ملی انرژی کشور در هر ده سال در حال دو برابر شدن بود (چهار برابر میانگین افزایش مصرف جهانی). ایران با داشتن ۱٪ جمعیت جهان، ۳٪ سوخت‌های فسیلی جهان را مصرف می‌کند. مصرف سرانهٔ انرژی در ایران پنج برابر اندونزی، چهار برابر هند، دو برابر چین و ۱/۶ برابر میانگین جهانی است. در ایران میزان مصرف هر واحد انرژی برای هر واحد تولید ناخالص داخلی هفده برابر ژاپن، هشت برابر کشورهای آسیای شرقی و شش برابر اروپا است. علاوه بر مصرف بیش از حد داخلی و اسراف کلان، بخش قابل توجهی از محصولات انرژی به صورت قاچاق به کشورهای همسایه صادر می‌شد. اما موضوع مدل صحیح و اجرای صحیح سیاست یارانه‌ای است. به دلیل عدم وجود گزارشات و اطلاعات رسمی در خصوص نتایج ابتدایی طرح و فقدان شفافیت ارزیابی کارنامهٔ هفت‌ماههٔ آن (تا کنون) به شدت دشوار است. هیچ گزارش مالی رسمی منتشر شده‌ای از منابع و موارد مصرف شدهٔ پول‌های جمع‌آوری و توزیع شده تا این زمان، در دست نیست. آن چیزی که در گزارش‌های رسمی نیامده فقدان توضیح در مورد چگونگی محاسبهٔ مردم بی‌سواد مقیم روستاها و شهرهای دورافتاده (که در حدود ۱۵-

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

۲۰ درصد جمعیت بوده و دسترسی به ادارهٔ پست، حساب بانکی، تلفن و اینترنت ندارند) برای دریافت یارانهٔ نقدی است. همچنین هیچ اطلاعاتی در مورد عملکرد صنایع دولتی پر مصرف از لحاظ انرژی- پتروشیمی، فولاد، آلومینیوم، سیمان- که به سوخت تقریباً مجانی متکی بوده‌اند، وجود ندارد. آیندهٔ برنامه اصلاح یارانه‌ها در چند سال آینده با چالش‌هایی همراه است.

۱- وضعیت نامتعادل و متزلزل بودجهٔ سال ۹۰ و ۹۱ است. از مجموع ۵۰۸۳۹۳۸ میلیارد ریال درآمد پیش‌بینی شدهٔ برنامه، از محل افزایش قیمت‌ها، حداقل ۳۹۵۸۵۰ میلیارد ریال برای پرداخت به ۷۲/۵ میلیون نفری که ثبت‌نام کرده‌اند نیاز است، اول اینکه تحقق چنین درآمدی حتی با افزایش بیست درصدی قیمت سوخت و غذا امکان‌پذیر نیست و دوم این که در خوش‌بینانه‌ترین حالت تحقق ۳۹۵۸۵۰ میلیارد ریال به این معنی است که درآمدهای امسال فقط برای پرداخت نقدی به مردم کفایت می‌کند و چیزی برای پرداخت سهم تولیدکنندگان باقی نخواهد ماند.

۲- اگر چه دشوار است که تورم برنامه‌ای که هنوز یک سال از آن نگذشته را تخمین زد اما آن چه مورد توافق اقتصاددانان مستقل (چه قبل از اجرا و چه بعد از اجرای برنامه) این است که قطعاً تورم بیش از سال‌های قبل خواهد بود. دلیل عمده‌ای که تا کنون تورم تشدید نشده این است که قیمت کالاها توسط دولت کنترل و به نوعی همچنان اقتصاد دستوری حاکم است. اگر دولت افزایش تدریجی قیمت کالاهایی را که هزینه مصرف انرژی آنها افزایش یافته مجاز کند، نه تنها شاخص قیمت کالاها به سطح بالاتری خواهد رسید، بلکه شرکت‌های خصوصی و دولتی توان رقابتی بین‌المللی خود را بیش از گذشته از دست خواهند داد. اگر افزایش قیمت‌ها منع شود، ضررها و ورشکستگی‌ها به دنبالش خواهد آمد. این به ویژه در مورد صنایعی که از لحاظ انرژی پر مصرف هستند و تاکنون ۳۷ درصد مصرف ملی نفت کوره، ۳۳ درصد از مصرف ملی برق و ۲۷ درصد از مصرف ملی گاز طبیعی را با قیمت‌های تخفیفی استفاده کرده‌اند، صادق است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

۳- به نظر می‌رسد دولت امسال نیز همانند سال‌های گذشته با ورود کالاهای ارزان از سراسر جهان زمینهٔ خروج تولیدکنندگان پرهزینهٔ داخلی از صحنه و تعطیلی گستردهٔ کارخانه‌ها، و نوعی «بیماری هلندی» را حاکم بر کشور نماید. این خود باعث کاهش رشد اقتصادی و افزایش بیکاری خواهد شد. در عین حال، فقدان منابع برای کمک به واحدهای اقتصادی برای استفاده از تکنولوژی‌های با بهره‌وری بالا، باعث ورشکستگی و بیکاری بیش‌تر خواهد شد. همین موارد تحقق ۲/۵ میلیون شغل را در سال ۹۰ با علامت سئوال جدی مواجه کرده است.

۴- با وجود این که قانون اصلاح یارانه‌ها رسماً «قانون هدفمندسازی یارانه‌ها» نامیده می‌شود، هیچ گونه «هدف» روشن و رسمی در قانون نیست، و هیچ گونه ترتیبات خاصی برای پایان بخشی یارانه‌هایی که هنوز حذف نشده و فقط شکل آن از قیمت ارزان به پرداخت نقدی تبدیل شده، وجود ندارد. با توجه به این که الف) نظام قدیمی یارانه‌ها غیر قابل تداوم است، ب) حرکت به سوی قیمت‌های شفاف بازار الزامی است، و پ) نهایتاً یک تور حمایتی اجتماعی بایستی فقط نیازمندان را شامل شود، برنامه فراگیر کنونی دیر یا زود بایستی پایان یابد.[۱] پرداخت ماهانهٔ نقدی به تقریباً همهٔ جمعیت - بدون هیچ چشم‌انداز زمانی- به وضوح برخلاف اهداف «اصلاح» یارانه‌هاست. بر اساس متن اولیهٔ قانون: الف- برنامهٔ قرار بود صرف پرداخت به خانواده‌ها گردد؛ و ب- فقط ۵۰ درصد از درآمد حاصل قرار بود صرف پرداخت به خانواده‌ها گردد؛ و پ- پرداخت نقدی پس از رسیدن قیمت‌ها به سطح بین‌المللی پایان می‌پذیرفت اما بر اساس متمم قانون که: الف- تقریباً همهٔ جمعیت در لیست پرداخت دولت قرار دارند؛ب- ۸۰ درصد درآمد به مصرف‌کنندگان پرداخت خواهد شد؛پ- دریافت کنندگان پرداخت‌ها را موقت نمی‌انگارند و انتظار دارند طبق قول رئیس جمهور دو برابر شود؛ت- تعداد منتفعین با توجه به افزایش جمعیت رو به رشد است؛ و ۵- منابع درآمد برنامه بسیار متزلزل است، یک شرایط کاملاً جدید در پیش رو قرار دارد.

۱ـ اگرچه در آغاز، هدف از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها تحقق عدالت و برخورداری اقشار آسیب‌پذیر جامعه اعلام شد، اما در نهایت تصمیم گرفته شد تمام خانوارهای ایرانی از یارانهٔ نقدی بهره‌مند شوند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

به نظر می‌رسد تا زمانی که قیمت نفت در حدود ۱۰۰ دلار است[۱]، پرداخت‌های نقدی ماهانه موجود از لحاظ نظری قابل ادامه است. اما چند مشکل وجود دارد:

الف) بودجهٔ سال ۹۰ معادل ۵۰۸۳۹۳۸ میلیارد ریال برای پرداخت‌های نقدی مساوی ۷۵ درصد درآمد سالانه نفتی ایران در طول سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۵ است. که قدرت مانور مالی ناچیزی برای سال‌های آتی به جا می‌گذارد. هر دلار حاصله از فروش نفت به عنوان منبعی پایان یافتنی که به مصرف اختصاص یابد، به‌مثابهٔ ضرر دائمی برای سرمایه‌گذاری است.

ب) پرداخت مستمر یارانهٔ نقدی به اکثریت زیادی از جمعیت لاجرم منتهی به نهادینه شدن یک فرهنگ غلط وابستگی به دولت خواهد شد که خوداتکایی و ابتکار فردی را تضعیف می‌کند. پ). پرداخت منظم ماهانهٔ حمایت رفاهی خیلی زود به عنوان «حق» دائمی فرض می‌شود که دریافت‌کنندگان در مقابل حذف و یا کاهش آن، مقاومت خواهند کرد. خلاصه یافتن راه‌های معقول و مؤثر برای چالش‌های فوق ساده نبوده و به جراحی اساسی در اقتصاد و نظام اجتماعی مرتبط خواهد کرد.

۶- مشکل دیگر به نظر می‌رسد وجود گزارش‌های رسمی کوتاه، اغراق‌آمیز و پراکنده در مورد نتیجهٔ فیزیکی برنامه باعث ابهام و عدم شفافیت در نتایج اجرای آن بوده است. برای مثال: کم‌تر از یک ماه از تنظیم قیمت‌های انرژی، گزارش‌های رسمی منتشره مدعی «کاهش شدید» مصرف بنزین، گازو برق شدند. در اواخر اردیبهشت ۱۳۹۰ رئیس‌جمهور در چندین برنامهٔ تلویزیونی اشارات سریعی به کاهش مصرف کالاهای یارانه‌ای، افزایش تولید صنایع و بهبود توزیع درآمد داشت. برآوردهای مستقل خصوصی از چهار محصول انرژی (بنزین، گازوئیل، نفت کوره و نفت خانگی) در طول پنج ماه اول اجرای برنامه گویای ۳ میلیارد دلار مصرف بود. همچنین با وجودی که وزارت نفت کاهش قابل توجه

۱ـ اگر چه قیمت نفت در اواسط مرداد ۹۰ به بشکه‌ای ۸۰ دلار کاهش یافت و روند آتی آن در شرایطی که احتمال شوک جدید بحران اقتصادی وجود دارد، نگران کننده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

در مصرف بنزین را بلافاصله اعلام کرد، ولی فروش در اواخر اردیبهشت ۹۰ به شصت میلیون لیتر در روز، یعنی سطح قبل از اجرای برنامه رسید.

۷- به اعتقاد ما اگر سیاست هدفمندی یارانه‌ها با مدیریت صحیح، منضبط، منسجم، کارآمد و پاسخ‌گو همراه باشد قطعاً نتایج مثبتی برای اقتصاد ایران به همراه خواهد داشت که متأسفانه مدیریت فعلی کشور فاقد این ویژگی‌ها است.[۱] در این خصوص رئیس دیوان محاسبات از ارائهٔ گزارش تخلفات دولت در سال ۸۹ در اجرای هدفمندی یارانه‌ها به مجلس در اواخر اردیبهشت ۹۰ خبر داد. همچنین اعلام شد که منابع لازم برای پرداخت یارانه‌ها از محل لحاظ شده در قانون پرداخت نشده بلکه بخشی از آن از منابع بانک‌ها و برخی از بودجه دستگاه‌ها بوده است و این تخلف است. تخلف دولت در برداشت ۵ هزار میلیارد تومان از منابع داخلی بانک مرکزی برای پرداخت یارانه‌های نقدی نمونه‌ای دیگر از تخلفات دولت بوده است.

۸- مطابق مفاد (۷)، (۸) و (۱۱) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، دولت مکلف شده است تا به‌ترتیب ۵۰، ۳۰ و ۲۰ درصد از خالص وجوه حاصل از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها را به ترتیب صرف خانوار، بنگاه‌ها و فعالان بخش‌های مختلف (صنعت، کشاورزی، جبران زیان شرکت‌های ارائه‌دهندهٔ خدمات آب و فاضلاب و حامل‌های انرژی، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، حمل و نقل عمومی و توسعهٔ خدمات الکترونیکی) کند. طبق قانون بودجه سال ۱۳۹۰، «دولت نمی‌تواند قیمت انرژی و سایر کالاهای یارانه‌ای را بیش از ۲۰٪ نسبت به سال ۱۳۸۹ افزایش دهد.» در خصوص این مصوبه چند نکتهٔ قابل طرح است: بر اساس برآوردهای مرتبط با اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، مابه التفاوت درآمد حاصل از افزایش حامل‌های انرژی در مجموع در سال ۱۳۹۰ و با در نظرگرفتن احتمال کاهش مقدار مصرف آن‌ها، در مجموع حدود

۱ـ غیرمنتظره بودن زمان اجرای سیاست، ناقص بودن داده‌های ورودی و خروجی برای پیش‌بینی‌های اقتصادی، وجود تخلفات گسترده دولت و عدم پایبندی به قانون و عدم ارائهٔ گزارش شفاف بخشی از وضعیت مدیریت کنونی در اجرای سیاست بوده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

۲۶۴۰۱۰ میلیارد ریال خواهد شد. مطابق مادهٔ ۱۶ قانون مالیات بر ارزش افزوده، فروش بنزین و سوخت هواپیما ۲۰٪ و سایر حامل‌های انرژی ۴٪ درصد (برای سال ۱۳۹۰) مالیات بر ارزش افزوده تعلق می‌گیرد، همچنین بر اساس مادهٔ (۳۸) قانون مذکور، فروش بنزین، نفت‌گاز، نفت‌سفید و سوخت هواپیما مشمول ۱۰٪ و نفت کوره مشمول ۵٪ عوارض شهرداری می‌گردد، در نتیجه در مجموع حدود ۳۲۳۷۱ میلیارد ریال بابت مالیات و عوارض قانونی (۱۷۵۱۰ میلیارد ریال مالیات و ۱۴۸۶۱ میلیارد عوارض) از درآمد فوق باید کسر شود. در نتیجه مابه‌التفاوت درآمد خالص باقیمانده برای تخصیص به خانوارها، سهم دولت و سهم صنعت، کشاورزی و خدمات از محل فروش حامل‌های انرژی فوق‌الذکر حدود ۲۳۱۶۳۹ میلیارد ریال می‌شود. در جزء «۱» لایحه نیز مبلغ ۳۵۰۰۰ میلیارد ریال تحت عنوان «یارانهٔ نقدی نان» منظور شده است که به این ترتیب جمع منابع حاصل برای تخصیص به سه موضوع مواد (۷)، (۸) و (۱۱) محل مصرف درآمد حاصل از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها حدود ۲۶۶۶۳۹ میلیارد ریال خواهد شد. در حال حاضر بیش از ۷۲ میلیون نفر از جمعیت کشور یارانهٔ نقدی دریافت می‌کنند که با توجه به واریز ۴۵۵۰۰۰ ریال برای هر نفر در ۱۱ ماه سال ۱۳۹۰ کل مبالغ واریزی به حساب خانوارهای کشور بالغ بر ۳۹۲۴۰۰ میلیارد ریال خواهد شد.[۱] بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که بین مجموع پرداخت یارانه به خانوارها و مابه‌التفاوت خالص درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی به علاوه یارانه نان حدود ۱۲۵۷۶۱ میلیارد ریال کسری وجود دارد و بدین ترتیب هیچ وجهی جهت تخصیص برای موضوع مواد (۸) و (۱۱) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها (سهم دولت و کمک به صنعت و کشاورزی، خدمات و...) باقی نخواهد ماند.[۲] اگر قرار باشد فقط

۱ـ باید توجه کرد که در سال ۱۳۹۰ نیز کشور با رشد جمعیت مواجه خواهد شد که در محاسبات منظور نشده است.

۲ـ مهم‌ترین نکته در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، تأکید بر کاهش نیافتن یارانهٔ پرداختی به تولیدکنندگان بخش کشاورزی بوده است. اما به جای این اقدام، اجرای ناصحیح قانون خرید تضمینی در سال جاری بر مشکلات تولیدکنندگان گندم افزوده شده است (برادران‌نصیری و همکاران، ۱۳۹۰).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

یارانهٔ نقدی که به خانوارها پرداخت می‌شود در سال ۱۳۹۰ نیز ادامه یابد و مالیات و عوارضی نیز از فروش حامل‌های انرژی دریافت نگردد، باید دولت به طور متوسط حداقل ۳۵٪ قیمت حامل‌های انرژی را در طول سال اضافه کند که با توجه به گذشت ۴ ماه از سال جاری، اگر قرار باشد از اول خرداد این افزایش اعمال می‌کرد، درصد مذکور ۴۲٪ خواهد بود و بنابراین اجازهٔ افزایش ۲۰ درصدی قیمت‌ها مبالغ لازم حتی برای توزیع بین خانوارها را نیز فراهم نمی‌کند مگر آن که میزان پرداختی به خانوارها کاهش یابد. در صورتی که بنا بر اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده باشد حداقل افزایش قیمت‌ها برای ادامه وضع موجود و فقط پرداخت نقدی به خانوارها باید حدود ۴۸٪ باشد و هر چه این زمان به تأخیر افتد این درصدها باید افزایش یابد به طوری که اگر قرار باشد از اول خرداد این افزایش اعمال می‌شد، درصد مذکور ۵۸ درصد خواهد شد.

۵-۳. ارائهٔ مدل و تفسیر نتایج

در این قسمت به بررسی تجربی اثر سیاست هدفمندی یارانه‌ها بر توزیع درآمد و با به کارگیری روش خود رگرسیون‌برداری (VAR) می‌پردازیم. فرم عمومی مدل به صورت زیر می‌باشد:

$$LGINI = f(LGDPP, LOPEN, DU_SU, DU_MG)$$

که LGINI لگاریتم طبیعی ضریب جینی (معیاری برای توزیع درآمد)، LGDPP لگاریتم طبیعی تولید ناخالص داخلی حقیقی(معیاری برای رشد اقتصادی)، LOPEN لگاریتم طبیعی درجهٔ باز بودن اقتصاد (معیاری برای جهانی‌شدن اقتصاد)، DU_SU متغیر دامی برای سیاست هدفمندی یارانه (عدد ۱ برای سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ و عدد صفر برای بقیهٔ سال‌ها)، DU_MG متغیر دامی برای مدیریت اقتصادی دولت در دورهٔ سیاست هدفمندی یارانه (عدد ۱ برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ و عدد صفر برای بقیهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

سال‌ها). همان‌طور جدول (۵) نشان می‌دهد که تمام متغیرهای موجود با یک بار تفاضل‌گیری مانا شدند. لذا رگرسیون کاذب وجود ندارد.

جدول (۵): نتایج آزمون مانایی برای متغیرهای مدل

متغیر	آمارهٔ دیکی فولر				آمارهٔ فیلیپس پرون			
	سطح		تفاضل اول		سطح		تفاضل اول	
	با عرض از مبدأ	با عرض از مبدأ و روند	با عرض از مبدأ	با عرض از مبدأ و روند	با عرض از مبدأ	با عرض از مبدأ و روند	با عرض از مبدأ	با عرض از مبدأ و روند
LGINI	-۲/۹۱	-۳/۲۸	-۷/۶۶*	-۷/۷۹*	-۳/۳۳	-۳/۴۰	-۵/۲۱*	-۵/۳۶*
LGDPP	۰/۷۹	-۱/۳۲	-۳/۷۵*	-۳/۹۴*	۰/۷۴	-۳/۱۸	-۳/۹۵*	-۴/۸۳*
LOPEN	-۱/۶۹	-۱/۸۶	-۴/۴۰*	-۴/۶۷*	-۲/۳۳	-۲/۵۹	-۴/۴۰*	-۴/۶۷*

* مقادیر بحرانی در سطح ۹۹ درصد ** مقادیر بحرانی در سطح ۹۵ درصد.

برای مدل آزمون وقفهٔ بهینه انجام شده است، برای آن که از نظر اقتصادسنجی صحت مدل زیر سئوال نرود حداقل درجهٔ آزادی برای مدل در نظر گرفته شده و بعد وقفهٔ بهینه از میان وقفه‌های ممکن با توجه به معیارهای مختلف انتخاب شده است. بر اساس جدول (۶) رشد اقتصادی باعث کاهش نابرابری در ایران می‌شود. همچنین سیاست هدفمندی یارانه‌ها باعث کاهش نابرابری می‌شود هر چند مدیریت اقتصادی دورهٔ اخیر باعث افزایش نابرابری شده است. لذا می‌توان گفت که سیاست هدفمندی یارانه در صورت مدیریت صحیح و هدفمند می‌تواند باعث کاهش نابرابری در اقتصاد ایران شود. در شرایط کنونی این سیاست با سوء مدیریت آثار کاهشی هدفمندی را خنثی و حتی باعث افزایش نابرابری می‌شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

جدول (۶): نتایج حاصل از تخمین الگو به روش VAR

Vector Auto regression Estimates			
Sample (adjusted): 1354 1391			
	LGINI	LGDPP	LOPEN
LGINI(-1)	۰/۴۷۳۰۵۵	−۰/۲۰۶۲۱۰	۰/۳۰۱۱۶۵
t	[۳/۲۳۸۵۷]*	[−۰/۷۷۵۶۱]	[۰/۴۵۰۳۱]
LGDPP(-1)	−۰/۰۷۷۷۸۴	۰/۹۸۳۷۵۲	۰/۱۴۲۰۷۷
t	[−۲/۰۳۲۰۵]**	[۱۴/۱۱۹۷]*	[۰/۸۱۰۶۵]
LOPEN(-1)	۰/۰۵۱۹۸۱	۰/۰۵۵۱۱۲	۰/۷۸۴۳۸۴
t	[۱/۸۳۳۵۰]***	[۱/۰۶۸۰۲]	[۶/۰۴۲۶۸]*
C	۲/۷۳۲۵۰۸	۰/۷۹۴۰۱۵	−۲/۱۰۵۰۹۰
t	[۰/۳۰۰۴۲]*	[۰/۵۲۶۹۰]	[−۰/۵۵۵۳۲]
DU_SU	−۰/۰۰۵۷۶۶	−۰/۰۳۴۰۲۳	−۰/۰۱۲۲۲۹
t	[−۰/۱۸۸۷۸]	[−۰/۶۱۱۹۵]	[−۰/۰۸۷۴۴]
DU_MG	۰/۰۰۷۳۳۰	−۰/۰۰۰۳۰۹	۰/۰۱۵۴۱۶
t	[۰/۲۷۲۴۹]	[−۰/۰۰۶۳۲]	[۰/۱۲۵۱۶]
R-squared	۰/۷۱۸۰۴۳	۰/۹۷۱۶۸۸	۰/۸۱۲۷۹۱
Adj. R-squared	۰/۶۷۳۹۸۷	۰/۹۶۷۲۶۴	۰/۷۸۳۵۳۹
F-statistic	۱۶/۲۹۸۴۹	۲۱۹/۶۵۱۰	۲۷/۷۸۶۳۴

* و ** معنی‌داری به ترتیب در سطح ۹۹ و ۹۵ درصد.

نتیجه‌گیری

هدف از اعمال این سیاست‌ها ممکن است کمک به مصرف‌کنندگانی باشد که قادر بـه تهیـهٔ برخی از کالاهای حیاتی نیستند و یا ممکن است کمک به تولیدکنندگانی باشد کـه قـادر بـه رقابت با سایر عرضه‌کنندگان نباشند. هر یک از این کشورها متناسب با شرایط خاص خـود روش خاص و یا ترکیبی از شیوه‌های مختلف را برای هدفمندسازی یارانه‌ها مورد اسـتفاده قرار داده‌اند. نتایج کلی این مقاله حاکی است که:

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

۱- ضریب جینی در ایران در حول ۰/۵۵- ۰/۳۵ بوده که این نشان می‌دهد که نابرابری جدی بر اقتصاد ایران حاکم است. بر این اساس و با توجه به سطح درآمد ملی کم‌تر از متوسط، قبل از هرگونه تغییرات سیاستی کلان طراحی واجرای الگوی توزیع همراه رشد پیشنهاد می‌شود.

۲- در شرایط تورم رکودی، تداوم بحران اقتصادی، نبود زیرساخت‌های لازم، نداشتن مدل اقتصادی و ... سیاست یارانه‌ای مدیریت فعلی در کوتاه مدت وضعیت توزیع درآمد را بدتر خواهد کرد.

۳- دولت دهم در دی‌ماه ۱۳۸۹ نوعی برنامهٔ شتاب‌زده و بدون مطالعهٔ کارشناسی در ارتباط با یارانه‌ها را به اجرا گذاشته که هم اکنون با مشکلات خاص خود گریبان‌گیر است. همچنین با توجه به این که اطلاعات رسمی منتشر نمی‌شود و زمینهٔ نقد علمی قابل قبول وجود ندارد امکان ارزیابی آثار دقیق سیاست مورد نظر وجود ندارد. در نهایت با وجود نیاز مبرم به اجرای سیاست اصلاح یارانه، این برنامه با چالش‌هایی همچون تراز مالی ناپایدار، تأثیرات بالقوهٔ تورمی، اثرگذاری برنامه بر اشتغال و رشد اقتصادی و نامشخص بودن روند آینده و چگونگی پایان یافتن آن روبه رو است. با وجودی که اجرای پیشنهادهای مجلس نسبت به دولت، می‌تواند تا حدودی مشکلات کم‌تری بر جامعه تحمیل نماید، اما آن نیز به طور اساسی راه‌گشا نیست. مشاجرهٔ مجلس و دولت به جای آن که به مسائل کلیدی موضوع (ضعف زیرساخت‌های آماری و کارشناسی، برنامه مشخص دولت برای هزینه کردن درآمدهای آزادشده، مکانیسم اصلاح قیمت‌ها، چگونگی توزیع نقدی بخشی از درآمدها، مقابله با آثار تورمی حاصل، عدم سازگاری برنامه با شرایط ملی و بین‌المللی وموارد مشابه) بپردازد، منحصرگردیده به تصمیم‌گیری در مورد ارقام ۲۰۰۰۰، یا ۴۰۰۰۰، میلیارد درآمد مربوطه. از این رو مجلس نیز با توجه به تأیید اصل برنامه شتاب‌زده، نسبت به آثار اجرای برنامه مسئول و شریک دولت خواهد بود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

۴- کارکرد مثبت آزادسازی قیمت‌ها که یک ره‌آورد مهم اقتصادی حذف یا هدفمندی یارانه‌ها است، مشروط به وجود دولت بهینه و بسترهای اساسی در یک نظام اقتصادی پیش‌رواست که کشورما در حال حاضر فاقد آن است.

۵- نتایج اقتصادسنجی این تحقیق نشان داد که به شرط وجود دولت بهینه و فراهم بودن زیرساخت‌ها، سیاست هدفمندی یارانه‌ها باعث کاهش نابرابری در ایران می‌شود. از این رو مدیریت اقتصادی دورهٔ اخیر (۱۳۹۱-۱۳۸۴) باعث افزایش نابرابری می‌شود.

۶- با توجه به یافته‌های این مقاله، هر چند اصلاح سیاست یارانه‌ها نیاز حتمی کشور است، اما سیاست یارانه‌ای دولت اخیر نهایتاً موجبات سردرگمی بیش‌تر بخش کسب و کار، افزایش قیمت کالاهای اساسی، به هم ریختگی بیش‌تر توزیع درآمدها و به همراه مجموعه‌ای از پیامدهای منفی اجتماعی، اقتصادی را فراهم کرده است. لذا مناسب است در تصمیمات آتی مرتبط با یارانه رعایت دولت موظف گردد حداقل به قوانین یارانه‌ای پایبند باشد و امور را به گونه‌ای پیش ببرد که از شدت تخریب برنامه کاسته شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

منابع و مآخذ References

- احمدی، مهدی، ۱۳۸۸، بررسی ابعاد و پیامدهای اجرایی هدفمند کردن یارانه‌ها، **ماهنامه هدایت**، سال نهم، شماره ۹۸، آذر، ۷۰-۵۹.
- استوارت، فرانس، ۱۳۷۶، **تعدیل اقتصادی و فقر**: گزینه‌ها و انتخاب‌ها، ترجمه: علی دینی و سیامک استوار، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- استیگلیتز، جوزف، ۱۳۸۲، **جهانی‌سازی و مسائل آن**، ترجمه: حسن گلریز، نشر نی.
- افشاری، غلامرضا و فاطمه عزیزخانی، ۱۳۸۴، فرار مالیاتی و تأثیر آن بر تولید ناخالص داخلی و توزیع درآمد، **فصلنامه مجلس و پژوهش**، شماره ۵۰-۴۹، ۴۲۲ -۳۹۵.
- آقاجان‌زاده، حمید و مدیک سلمانی، ۱۳۶۰، **الگوی توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی در ایران**، مرکز آمار ایران.
- اقبالی، علی‌رضا، جرجرزاده، علی‌رضا، ۱۳۸۴، **بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران**، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، شماره ۱۷، ۲۰۷-۲۲۴.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، **بانک اطلاعاتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران**.
- برادران‌نصیری، **مهران و همکاران، ۱۳۹۰، تأثیر سیاست‌های اتخاذ شده در اجرای قوانین بر تولید و هزینه تمام شده گندم در سال ۱۳۹۰، مرکز پژوهش‌های مجلس، خرداد.**
- پرمه، زورار، ۱۳۸۴، امکان‌سنجی شناسایی خانوارهای نیازمند از خانوارهای بی‌نیاز در ایران در راستای هدفمندنمودن یارانه‌ها، **موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی**.
- پروین، سهیلا، ۱۳۸۶، تأثیر رشد اقتصادی بر فقر در اقتصاد ایران، **مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)**، شماره ۵، ۱۱۸-۹۳.
- توتونچی‌ملکی، سعید، ۱۳۸۷، مروری بر مبانی نظری و مطالعه تجربه پرداخت نقدی یارانه‌ها در برخی کشورها، **مرکز پژوهشهای مجلس**، گزارش ۹۲۶۷.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

منابع و مآخذ

References

- حلاج، شهرام، پیله‌فروش، میثم، ۱۳۸۷، دربارهٔ لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها (تأثیر لایحه بر قیمت تمام شده طرح‌های عمرانی)، **مرکز پژوهش‌های مجلس**، گزارش، ۹۴۴۵.
- دادگر، یداله، ۱۳۸۶، **اقتصاد بخش عمومی**، انتشارات دانشگاه مفید، چ۲.
- نظری، روح‌الله، (۱۳۸۶)، بررسی تأثیر اندازه دولت بر توزیع درآمد در ایران، **مجموعه مقالات چهارمین همایش دو سالانه اقتصاد ایران**، دانشگاه تربیت مدرس.
- زیبایی، حسن، ۱۳۸۴، ارزیابی سهم عوامل تعیین کنندهٔ نابرابری و توزیع درآمد در ایران، **مجله برنامه و بودجه**، شماره ۹۱، ۶۸-۲۹.
- سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، **آمار یارانه‌ها**، سال‌های مختلف.
- گروه نویسندگان دفتر تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵، **مجموعه آموزشی سازمان جهانی تجارت**.
- **مرکز پژوهش‌های مجلس**، ۱۳۸۷، درباره لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها، شماره گزارش، ۹۴۳۲، دی.
- نجفی، بهاءالدین، ۱۳۸۷، درس‌هایی از تجربیات جهانی برای اصلاح یارانهٔ غذا در ایران، **دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام**، گزارش علمی، کد ۰۱-۸۷۲۱.
- نیلی، مسعود، فرح‌بخش، علی، ۱۳۷۷، ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران، **مجله برنامه و بودجه**، شماره ۳۶، ۳۵، ۱۵۴-۱۲۱.
- وهابی، محمدمهدی، هندی، سیدصالح، ۱۳۸۶، تأثیر یارانه انرژی در تأمین عدالت اجتماعی، **بررسی‌های بازرگانی**، شماره ۲۶، آذر و دی.
- Alesina, A. , and Rodrik, D, 1994, Distributive Politics and Economic Growth, **Quarterly Journal of Economics**, Vol. 109: 465–90.
- _____, and Perotti, R, 1996. Income distribution, political instability, and investment. **European Economic Review** 40: 1203–1228.
- Barro, R, 2000, Inequality and Growth in a Panel of Countries, **Journal of Economic Growth**, Vol. 5: 5–32.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

References منابع و مآخذ

- Clements, B, Hugounenq, R and Schwartz, S, 1995, **Government Subsidies: Concepts, International Trends and Reform options**, IMF working papers, No 91.
- Correia Isabel H, 2009, Inflation And Inequality, Banco Portugal, **Economics And Research Department**: 161-170.
- Cysne R. P, Maldonado Wilfredo L,Monteiro P. Klinger , 2005, Inflation and income inequality: A shopping-time approach, **Journal of Development Economics**, 78.
- Dadgar, Y and Nazari, R, 2011, **the role of traditional micro institutions in income inequality in Iran**, the 8th international conference on micro enterprise development, Jakarta, Trisakti university, January 6-8.
- Deininger, K, and Squire L, 1996, A New Data Set Measuring Income Inequality, **World Bank Economic Review**,10 (3), September.
- De mello L and E. R, Tiongson, 2003, Income Inequality and Redistributive Government Spending, IMF Working Paper WP/03/014\.
- Forbes, K, 2000, A Reassessment of the Relationship between Inequality and Growth, **American Economic Review**, Vol. 90: 869–97.
- Forsyth, J, 2000, Letter to the Editor. The Economist, Jun 20.
- Hoffman, W. L. , B. L. Gardner, B. M. Hueth, and R. E. Just, 1994, The Impact of Food Aid on Food Subsidies in Recipient Countries. American **Journal of Agricultural Economics** 76: 733-43.
- Hsing ,Y, 2005, Economic growth and income inequality: the case of the US , **International Journal of Social Economics**, Vol. 32 No. 7: 639-647.
- Iradian, G, 2005, Inequality, Poverty, and Growth: Cross-Country Evidence, IMF Working PaperWP/05/28 February.
- Jha, Sailesh. K, 1999, Fiscal Policy, **Income Distribution and Growth**, Asian Development Bank Economic and Development Resource Center (EDRC), Report Series no, 67.
- Lopez, H, 2006, **Growth and inequality: Are the 1990s different?**, Economics Letters 93: 18–25.
- Kuznets, S, 1955, Economic Growth and Income Inequality, **American Economic Review**, Vol. 45, No. 1 (March): 1–28.
- Moran, T. P. 2005, Kuznets's Inverted U-Curve Hypothesis: The Rise, Demise, and Continued Relevance of a Socioeconomic Law, **Sociological Forum**, Vol. 20, No. 2: 209-244.
- Nanak Kakvani et al, 2005, Conditional **Cash Transfers in African Countries, International Poverty Center**, working papers, No 9.
- Panizza, U, 2002, Income Inequality and Economic Growth: Evidence from American Data, **Journal of Economic Growth**,7.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

References

منابع و مآخذ

- Persson, T, and Tabellini, G, 1994, Is Inequality Harmful for Growth?, **American Economic Review**, 84.
- Tanzi, V. and Schuknecht, L, 1997, Reconsidering the Fiscal Role of Government: The International Perspective, **American Economic Review**, 87 (2): 164-168.
- UNDP, 2009, **Human Development Report**, Newyork, Oxford University Press.
- UNDP, 2011, **Human Development Report**, Newyork, Oxford University Press.
- Valdivia, M, 2004, **On the Targeting Performance of Nutritional Programs in Peru: Is identifying poor the Main problem**.
- World Bank, 2011, **World Development Indicators (WDI),** CD-ROM. Washington.
- WTO Training Package, 2006, Modules, GATT: Basic Principles.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]